

# نبرد خلق

شماره ۳۰۵  
دوره چهارم سال بیست و ششم  
اول آذر ۱۳۸۹

کارگران همه ی  
کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی.....

## هیاهوی جنگ خارجی برای لاپوشانی کردن جنگ علیه مردم ایران

مهدی سامع

« هیاهوی جنگ برای دوطرف و به ویژه برای سلطنت مطلقه آقای خامنه ای بُشنگه بُشنگه آب گرم می کند و برای مردم ایران تنها و تنها هزینه در بردارد. جنگ واقعی اما در ابعاد کلان علیه مردم ایران و از جانب حکام تهران به طور جدی در جریان است. همسو شدن با آن هیاهوها یعنی بالا بردن هزینه ها برای مردم ایران.»

در صفحه ۲

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از  
جنگ سرد (۱)

لیلا جدیدی

« آموزش برای سازماندهی

یک جنبش»



«مطالعه آموزشهای این جنبش به ما و مردم ایران که در نبردی سخت علیه جمهوری اسلامی قرار داریم، می آموزد که پیروزیهای مقطعی خود را چگونه بررسی و ارزیابی کرده و از آثار آن در دستیابی به هدف استراتژیک خود که همانا سرنگونی حکومت ولایت فقیه است، بهره بگیریم.»

در صفحه ۷

سرمقاله ...

## رابطه منافع ملی با آثار بحران قدرت در سیاست خارجی

منصور امان

«روشن این است که در رابطه با بین المللی شدن وضعیت حقوق بشر در ایران، "منافع ملی" اسم رمز تلاش حکومت به منظور خصوصی قلمداد کردن امر پایداری حقوق پایه ای مردم ایران است.»

در صفحه ۳

## یک سر و هزار سودا

جعفر پویه

«کشاکش بین مجلس و دولت و گاه بالاگرفتن آن به گونه ای که اساس رژیم را به زیر سوال می کشد، یکی از این نشانه هاست. از سوی دیگر، خرده باندهایی که جریان نزدیک به خامنه ای را می سازند، هر کدام ساز خود را کوک کرده و هیچ نشانی از کوتاه آمدن یا توافق بین آنها دیده نمی شود.»

در صفحه ۱۱

## زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

در صفحه ۱۶

«مرثیه»

م.وحیدی

در صفحه ۱۹

نامه زندانی سیاسی علی صارمی:

احمدی نژاد می خواهد

جهان را هم این گونه مدیریت کند؟!

در صفحه ۱۰

## رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

در صفحه ۱۸



هراس رژیم از

گسترش جنبش

مطالباتی کارگران

زینت میرهاشمی

«شعار «مرگ بر ظالمان» که در روز ۳۰ آبان توسط صدها تن از کارگران خشمگین کارخانه لوله سازی خوزستان، داده شد، حکومتی را نشانه می رود که بیشترین خدمت را به نتولیرالیسم و سرمایه داری انگلی داخلی نموده است.»

در صفحه ۴

شورای استراتژیک ملی و

تعمیق کشمکشها بین

نیروهای ملی و ارتجاعی

آناهیتا اردوان

«چگونگی تشکیل و تداوم کار آتی شورای ملی سیاستهای استراتژیک، میزان برخورداری و بهره گیری از اختیارات آن و نتایج و عملکردها از مهمترین بحثها و مسائلی می باشد که به تعمیق تضاد بین نیروهای ملی و ارتجاعی می انجامد. این مساله، تشکیل دولت توسط المالکی را در صورت کارشکنی با مشکلات بزرگتری روبرو خواهد ساخت.»

در صفحه ۱۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## یادداشت سیاسی

## هیاهوی جنگ خارجی برای لاپوشانی کردن جنگ علیه مردم ایران

مهدی سامع

روز سه شنبه ۱۸ آبان برابر با ۹ نوامبر، انتشارات «کراون» خاطرات جرج بوش، رئیس جمهور سابق آمریکا را با عنوان «نقاط تصمیم» با تیراژ یک میلیون و ۵۰۰ هزار نسخه منتشر کرد. انتشار این کتاب با واکنشهای متفاوت و در موارد بسیار متضاد روبرو شد. مایکل تامسکی خبرنگار روزنامه گاردین بخشهایی از کتاب را به شکل موضوعی دسته بندی کرده است که همین گزارش در بسیاری از سایتهای اینترنتی فارسی انتشار یافته است. آقای جرج بوش برای این که به هیچ مرضی دچار نشود، ترک عادت نکرده و هم به دروغگویی متوسل شده و هم مبادرت به سرعت ادبی کرده است.

رادبو آلمان در برنامه روز پنج شنبه ۲۰ آبان (۱۱ نوامبر) خود یک نمونه از دروغگویی جرج بوش را برملا کرده است. بوش در کتاب خاطرات خود مدعی شده که گرهارد شرودر، صدراعظم آلمان در روز ۳۱ ژانویه سال ۲۰۰۲، یعنی ۱۵ ماه قبل از حمله به عراق، از تصمیم او برای این حمله پشتیبانی کرده است. صدراعظم پیشین آلمان طی بیانیه ای به این دروغ جرج بوش پاسخ داده است. رادبو آلمان به نقل از «دی ساید» بخشی از بیانیه گرهارد شرودر را منتشر کرده است. صدراعظم پیشین آلمان در این بیانیه می نویسد: «بوش حقیقت را نمی گوید. در گفتوگوی پایان ژانویه ۲۰۰۲ این پرسش مطرح شد که آیا ممکن است عاملان حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر از سوی صدام حسین هدایت شده باشند؟ من اعلام کردم که اگر چنین موضوعی ثابت شود، آلمان بی تردید در کنار آمریکا خواهد ایستاد. اما در طول سال ۲۰۰۲ روشن شد که این فرضیه غلط است.»

سفیر وقت آلمان در واشنگتن و چند سیاستمدار دیگر، ادعاهای بوش را دروغ خوانده و ضمن تأیید گفته‌های شرودر، این دروغ را تسویه حساب با شرودر ارزیابی کرده اند. موضع گیری این دسته از سیاستمداران آلمانی با بازتاب گسترده در رسانه های آلمان روبرو شده است.

آقای جرج بوش از این که نتوانسته در عراق «سلاحهای کشتار جمعی» پیدا کند ناراحت است و مدعی می شود که این موضوع موجب «حس انزجار»، «رنجش خاطر» و «حالت تهوع» در وی شده است. با این حال بدون لحظه ای شرم می نویسد: «ما در عراق اشتباه

کردیم ولی علت حمله صحیح بوده است.»

در مورد سزقت ادبی نیز سایت هافینگتون پست گزارش مفصلی با نمونه های متعدد منتشر کرده تا روشن کند که آقای جرج بوش در نگارش بخشهایی از کتاب خاطرات خود بدون ذکر منبع، از کتب و مقاله‌های دیگران نسخه برداری کرده است.

بنابراین این کتاب و مطالب مندرج در آن، به جز موارد جزئی و آن دسته از رویدادها که هزاران بار در رسانه های جمعی منعکس شده، منبع قابل اعتماد نیست.

جرج بوش در این کتاب از شکنجه زندانیان دفاع کرده و از این که دستور کاربرد شکنجه با آب، برای ایجاد حس خفگی به زندانیان را داده اظهار رضایت می کند.

در مورد ایران که موضوع اصلی این مقاله است، آقای بوش می نویسد: «من به پنتاگون دستور دادم هر کاری برای حمله نیاز است بررسی و مطالعه کنند.» این نیز یک دروغ آشکار از جانب آقای بوش است. مساله اصلی در این مورد وجود طرح از جانب پنتاگون برای حمله به مراکز اتمی در ایران نیست. پنتاگون با بودجه کلان و کارشناسان گوناگون که در اختیار دارد به طور دایم در حال طراحی اشکال گوناگون جنگ است. موضوع اصلی در جنگ اراده سیاسی است و در مورد همین موضوع رییس جمهور سابق آمریکا به دروغگویی متوسل می شود. واقعیت این است که در مراکز اصلی تصمیم گیری در دولت آمریکا به شمول بسیاری از سیاستمداران محافظه کار جدید، هیچ وقت برنامه و اراده سیاسی برای جنگ وجود نداشته است. من از جمله کسانی بوده ام که در مراحل مختلف و علیرغم تبلیغات توخالی جنگ طلبانه معتقد بودم که در چشم اندازه‌های قابل ارزیابی جنگ محدود علیه پایگاههای اتمی رژیم ایران صورت نخواهد گرفت. حتی قبل از انتشار گزارش مهندسی شده ۱۶ سازمان اطلاعاتی در دسامبر سال ۲۰۰۷، به جد بر این باور بودم که آن چه جهت گیریهای اصلی دولت ایالات متحده را تعیین می کند، ساست مامشات با حکام مستبد ایران است. واقعیت این است که در جریان جنگ افغانستان و عراق، یکی از متحدان عملی و موثر آمریکا، رژیم ایران بود و البته جمهوری اسلامی از این دو جنگ بیشترین بهره برداری را نمود.

فراموش نکرده ایم که گزارش ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا بر مبنای یک حرکت فریبکارانه رژیم ایران (تخریب سایت لوزان) یک نتیجه به کلی غلط را به خورد افکار عمومی جهان داد.

چندی پیش روشن شد که در سال ۲۰۰۷ شهرام امیری که در ظاهر نقش جاسوس آمریکا را بازی می کرده و در حقیقت مامور رژیم برای رساندن اطلاعات مخدوش و اشتباه به آمریکا بوده، در تهیه این گزارش نقش مهمی داشته است.

در همان زمان برخی از نهادهای اطلاعاتی فرانسه و آلمان در مورد آمریکا که اعلام کردند جمهوری اسلامی برنامه اتمی خود را در پاییز سال ۲۰۰۳ متوقف کرده، اظهار شک و تردید کردند. حتی ارزیابی سازمان

گرچه تضاد بین غرب با رژیم ایران بر سر مساله اتمی یک تضاد جدی و واقعی است، اما به علت فقدان سیاست درست در قبال رژیم ایران، خامنه ای و گماشته اش با کمک لابیهای گوناگون از این ضعف غرب بهترین بهره برداری را کرده اند. سیاست درست باید ناظر بر حقوق مردم ایران باشد.

جاسوسی انگلستان در همان زمان بر این پایه استوار بود که رژیم ایران به تحقیقات خود برای دستیابی و گردآوری ابزارهای لازم برای تولید بمب اتمی ادامه می دهد. هنوز عرق خروج آقای جرج بوش از کاخ سفید سرد نشده بود که گزارشهای متعدد و منجمله اطلاعات آژانس بین المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۰۸ که آقای البرداعی می کوشید علنی نشود، دلالت بر پیگیری مجدانه رژیم ایران برای ساختن بمب اتمی می کرد. امروز، پس از گذشت سه سال از انتشار گزارش سازمانهای اطلاعاتی آمریکا دیگر بر همگان روشن شده که رژیم ایران علیرغم همه فریبکاریها و موش و گربه بازیهایش، یک لحظه از تلاش برای ساختن بمب اتم دست برنداشته است. پر واضح است که تبلیغات جنگ طلبانه هم چنان و در تمام این دوران ادامه داشت. آخرین بار

در اواسط مرداد ۱۳۸۹ دریادار مایک مولن، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، اعلام کرد که در صورت لزوم ایالات متحده طرحی برای حمله به ایران در اختیار دارد. تمام کسانی که از جنگ دم می زنند منظورشان حمله به مراکز اتمی است. به گمان من چنین امری حداقل در چشم انداز قابل ارزیابی، چه از جانب آمریکا و چه از جانب اسرائیل بسیار بعید به نظر می رسد، با این حال در

صورت وقوع چنین امری ولایت خامنه ای که مهمترین و فوری ترین دغدغه اش حفظ امنیت است از طراحان چنین جنگ بی حاصلی بسیار سپاسگزار خواهند شد. در این حالت استبداد حاکم بر ایران با شدت و حدت بیشتری جنگ علیه مردم ایران را پیش خواهد برد و به نظر من تمامی گردانندگان اطلاقهای فکر در ایالات متحده به این امر آگاهی دارند. بنابراین دروغ آقای جرج بوش را باید در نیب او جست و جو کرد و نه در بودن و یا نبودن طرح حمله در پنتاگون که بدون تردید چنین طرحی بنا به وظایف پنتاگون، وجود دارد. اما همچنان که پیش تر نوشتیم اراده سیاسی برای چنین جنگ بی حاصلی وجود ندارد.

تا کنون از این گونه هیاهوهای جنگی که هزینه آن را مردم ایران پرداخت

کرده اند، رژیم ایران بیشترین بهره برداری را کرده و همزمان برای بعضی از گروهها و فعالان چپ در جهان خوراک مناسبی بوده تا با سوار شدن بر خواست برحق «ضد جنگ»، جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم ایران را لاپوشانی کنند.

از نگاه رژیم ایران و به خصوص بنا بر تحلیل ولی ققیه رژیم، آمریکا در موقعیتی نیست که بتواند دست به حمله بزند. رژیم در سال ۲۰۰۳ به طور نسبی احساس خطر می کرد و برای خنثی کردن چنین تهدیدی از فرصت حمله به عراق بهترین استفاده را کرد. در عمل رژیم ایران و دولت بوش در همسویی و همگامی با هم به ویران کردن ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق مبادرت ورزیدند. همزمان مزدوران ولایت خامنه ای به ترور و شکار شخصیتهای مترقی، مستقل و لائیک عراق دست زدند و همه اینها را نهادهای نظامی اطلاعاتی آمریکا می دانستند و سکوت می کردند و اگر در مواردی هم گوشه ای از آن را به خارج درز می دادند، به علت پیگیری سیاست مامشات به شکل مُفعَلانَه ای با آن برخورد می کردند. همزمان با درد و رنج مردم ایران و عراق، آقای خامنه ای به ریش همه می خندید تا جایی که مُصمّم شد که گماشته اش را یک ضرب وارد دروازه همه حریفان کند و

بقیه در صفحه ۳

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

البته اشتباه محاسبه اش نیز در همین جا بود. مردم ایران با قیامها و جنبش گسترده خود پاسخ دندان شکنی به ولی فقیه دادند و اتوریته او را لگد کوب گامهای استوار خود نمودند. در چنین شرایطی دولت آمریکا مُنقل در حمایت از مبارزه حق طلبانه مردم ایران و پیگیر در مذاکره و مُفاهمه با ولی فقیه و گماشته اش بود و رژیم ایران نیز هم به پیشروی در پروژه اتمی اش و هم به گسترش نفوذ خود در عراق ادامه می داد. دومین ضربه به اتوریته ولایت خامنه ای از جانب لیست انتخاباتی العراقیه وارد شد. اتحادی از نیروهای گوناگون غیر طایفه ای در عراق توانست سخنگوی گرایش عرفی در عراق شود. در این جا نیز دولت آمریکا با این توجیه کودک فریب که نمی خواهد در امور عراق دخالت کند سیاستی منفعل در پیش گرفت و نتیجه این انفعال ماهها حاکمیت عنان گسیخته آقای نوری المالکی در عراق بود که بدون وجود مجلس و نیروهای کنترل کننده، به نیابت از ولی فقیه تهران به هر جرم و جنایتی، منجمله در مورد مجاهدان شهر اشرف دست زد.

خلاصه کنم: تمام پارامترهای تائکونی نشان می دهد که جنگ محدود به معنی حمله به تاسیسات اتمی رژیم ایران در سیاست راهبردی آمریکا جایگاه جدی و در یک چشم انداز قابل پیش بینی امکان واقعی ندارد. اما در عوض هیاهوی جنگ برای دوطرف و به ویژه برای سلطنت مطلقه آقای خامنه ای بُشگه بُشگه آب گرم می کند و برای مردم ایران تنها و تنها هزینه در بردارد. جنگ واقعی اما در ابعاد کلان علیه مردم ایران و از جانب حکام تهران به طور جدی در جریان است. همسو شدن با آن هیاهوها یعنی بالا بردن هزینه ها برای مردم ایران.

گرچه تضاد بین غرب با رژیم ایران بر سر مساله اتمی یک تضاد جدی و واقعی است، اما به علت فقدان سیاست درست در قبال رژیم ایران، خامنه ای و گماشته اش با کمک لابیهای گوناگون از این ضعف غرب بهترین بهره برداری را کرده اند. سیاست درست باید ناظر بر حقوق مردم ایران باشد. موجودیت استبداد مذهبی و جنگ بیرحمانه اش علیه مردم ایران، صلح جهانی را تهدید می کند. غرب باید این را با گوش شنوا بپذیرد و از حق مردم ایران برای داشتن یک نظام دمکراتیک دفاع کرده و هرگونه کمک سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به رژیم ایران که علیه این حق است را قطع کند.

دو شنبه ۱ آذر ۱۳۸۹ - ۲۲ نوامبر ۲۰۱۰

## سرمقاله ...

## رابطه منافع ملی با آثار بحران قدرت در سیاست خارجی

منصور امان

دولت ایالات متحده نمی توانست داشته باشد.

هنگامی که آقای احمدی نژاد با یک تقلا تماشایی در مجمع عمومی سازمان ملل جامه ای که تا آن زمان در بر داشت را پُشت و رو به تن کشید تا افزوده بر "هالوکاست"، زنگوله "۱۱ سپتامبر" را هم به تزیینات آن اضافه کند، در حقیقت بی نتیجه ماندن مانورهای پُر هزینه باند نظامی-امنیتی دولت را اعلام می کرد. باند مزبور نمی توانست مخاطب کاخ سفید قرار بگیرد چون تنها خود و منافع اش را نمایندگی می کند و چنین نیز نمی نماید که رقبای اش علایق آن را همان علایق خود بیندارند. در همین حال، طرفهایی که آقای احمدی نژاد و دوستان برای "پالوده خوردن" نزد آنها رفته بودند، نمی توانستند اطمینان داشته باشند که میهمانان شان در آینده نزدیک این مُدله را به سود خود تغییر خواهند داد. روی مدار بُن بست مناسبات خارجی که انتهای آن از هر سو با منافع یکی از فراکسیونهای باند ولایت تصادم پیدا می کند، تحرک آقای لاریجانی، یکی از رهبران گرایش رقیب دولت نمی توانست سرنوشت بهتری از ابتکار مسافران نیویورک داشته باشد. او حتی پیش از آن که بتواند بخت خود را به آزمایش بگذارد، با ضد حمله هموردان مجبور به جا خالی دادن شد.

جدال پُر هیاهوی فراکسیونهای اصلی باند ولی فقیه بر سر سفر آقای جک استراو، وزیر خارجه پیشین انگلیس به تهران، پیش از آن که اهمیت خود را از اشاره به زرقش درگیرها در هرم قدرت کسب کند، از این زاویه چشمگیر است که در نقش تابلو راهنمایی عمل کرد که چشم اندازی که در برابر بحران خارجی رژیم جمهوری اسلامی می تواند وجود داشته باشد را علامت می دهد. ویژگی برجسته شده در این رویداد، نبود سیاست گذاری متمرکز در هرم قدرت در برخورد به یکی از مرکزی ترین و خطرناک ترین چالشهایی که در برابر آن قرار گرفته یعنی، روابط مُشنج با طرفهای خارجی خود است. این واقعیت به نوبه خود مُعکس کننده تجزیه دستگاه قدرت به مثابه نهادی است که در اصل چنین سیاستی با کیفیت یاد شده فقط بر پایه تمرکز آن و برخورداری از وحدتی که به هر شکل (اجبار یا شراکت) تامین شده باشد، ممکن می شود.

نتیجه مُستقیم این شرایط، قفل شدن تاکتیکی و راه حلهایی است که محافل گوناگون قدرت به طور مُستقیم و به ابتکار خود طراحی می کنند و در پی عملیاتی کردن آن برمی آیند تا با ضد حمله رقبای شان ناکام بماند.

## سایه ای به درازای نیویورک تا لندن

زیگزاگ شکفت انگیز آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری در نیویورک، آینه تمام نمای شرایط به شدت ناپایدار و شناور مزبور بود. باند نظامی-امنیتی دولت پیش از سفر وی، در یک اقدام جنجال برانگیز و با عجله سرهم بندی شده، خانم سارا شروود، یکی از سه آمریکایی زندانی را آزاد کرد؛ حرکتی که نه به غلط، از سوی محافل داخلی و خارجی به عنوان ژست حُسن نیت ارزیابی شد. در همین راستا، آقای احمدی نژاد در طول اقامت خود در آمریکا که به گونه غیر عادی طولانی نیز بود، از طرح مسایل جنجال برانگیزی که به طور سُنتی علیه میزبانان مطرح می کند، خودداری کرد و به گفتن دروغها و گزافه های شناخته شده اش پیرامون مسایل داخلی اکتفا کرد. کادوی انسانی پیش از سفر و ژست تفاهم آمیز در جریان آن، یک تلاش سازمان یافته ی علنی را به نمایش می گذاشت که هدف دیگری جز ارسال علامت به آقای اوباما و

به عنوان چُماق خوش دستی برای کوفتن بر سر هموردان شکست خورده شان ارج می گذارند اما روی دیگر واقعیت این است که در تمام طول این دوران، توازن نیرو به سود باند ولایت که قدرت حقیقی را در دست داشت، سنگینی می کرد. بر این اساس، آقایان خاتمی، روحانی و موسویان می توانستند ویتترین "نظام" را به هر صورت که مایل بودند، آرایش دهند، بدون آن که این امر قادر باشد تغییری در سیاستهای کلان به وجود آورد.

اکنون اما حرکت یا زاویه گیری هر یک از فراکسیونهای باند ولی فقیه می تواند تاثیر قوی بر سیستم بگذارد زیرا برخلاف باند اصلاح طلبان، آنها قدرت به طور واقعی را در دست دارند. همزمان، این بدان معنا است که راهکارهای موجود و گزینه های مطرحی که دستگاه قدرت به آنها روی می آورد، در زور آزمایی حاملانش می تواند خشی بشود و بازی در میدان سیاست خارجی همواره از صفر-صفر شروع و به همین نتیجه نیز ختم گردد.

## ژرفش درونمایه سیاست خارجی جمهوری اسلامی

همچنین، بازی پُشت پرده و دیپلماسی پنهانی آقایان لاریجانی و احمدی نژاد فقط از این زاویه که اختلافهای همیشان "اصولگرا" را بازتاب می

روشن این است که در رابطه با بین المللی شدن وضعیت حقوق بشر در ایران، "منافع ملی" اسم رمز تلاش حکومت به منظور خصوصی قلمداد کردن امر پایداری حقوق پایه ای مردم ایران است.

دهد و عدم تعیین تکلیف مساله قدرت در باند به جای "یکدست"، چند دسته شده ی حاکم را نمایان تر می سازد، توجّه پذیر نیست. اگر چه رژیم جمهوری اسلامی را نمی توان مُتهم کرد که در طول حیات خود پایه مناسبات خارجی اش را با منافع کشور و علایق مردمان آن چیده است اما چپه گیری کنونی منافع مُتضاد در قدرت حاکمه، کیفیت تازه ای به این سیاست مُخرّب داده و گستره و ژرفای بی پیشینه ای به آن می بخشد. این امر هم برای وجه اثباتی سیاست مزبور (موضوعاتی که برای زد و بند روی میز گذاشته می شود) و هم وجه سلبی آن (تلاشهایی که برای بر هم زدن نقشه رقیبا انجام می شود) صادق است.

تنگنای فراکسیونهای قدرت برای بقیه در صفحه ۴

صحنه بعدی فراهم شده برای رژه ترحّم برانگیز اردک چُلاقی که دیپلماسی جمهوری اسلامی نام گرفته، مُذاکرات با گروه ۵+۱ است که از جُزییاتی همچون زمان و مکان تا مسایل پایه ای تری همچون موضوع و درونمایه گفتگوها، محل کشمکش داغ و بی انتهای گرایشهایی است که فعالانه صدلی را از زیر یکدیگر می کشند و یا در مسیر رقیب، دور برگردان علم می کنند.

شرایط کنونی فقط به لحاظ شکلی شباهتهایی با دوره ای دارد که جنگ قدرت بین باند ولایت با باندهای اصلاح طلبان و کارگزاران، سیاست خارجی را در عمل به میدان خود تبدیل کرده بود. اگر چه آقای خامنه ای و شرکا، توافق سعدآباد یا پذیرفتن همکاریهای مشروط با اژانس را هنوز



## سرمقاله ...

بقیه از صفحه ۴

تحکیم موقعیت خود آنها را داوطلب تن دادن به هر توافق فاسد یا برعکس، دست زدن به ماجراجوییهای خطرناک می کند، مشروط بر آن که نخست، هدف مزبور را تامین کند و سپس، هزینه اش از کیسه آنها پرداخت نشود. ناگفته پیداست که این موقعیت برای طرفهای خارجی رژیم ولایت فقیه ایده آل است. یک حکومت ناتوان و تجزیه شده به دسته بندیهای گوناگون که در رابطه خارجی خود بیش از همه در پی کسب امتیاز برای مصرف داخلی است، طرف معامله جذابی می تواند باشد. حتی ویژگی کوتاه مدت این معاشرت که ناشی از درونمایه ناپایدار ترکیب قدرت سیاسی در چنین حکومتهایی است نیز نمی تواند مانع بُزرگی به حساب بیاید، اگر زمین بر پشت اسب اصلی کالسکه گذاشته شده باشد. در همین رسته، چگونگی نگاه و تنظیم برخورد طرف حساب مزبور با شهروندان خود و میزان پایبندی آن به پرنسیب حقوق بشر قرار می گیرد. چقدرترین نمونه از آمادگی قدرتهای خارجی و در این مورد آمریکا برای نادیده گرفتن ارزشهایی که در ارتباط با منافع آنها فقط به گونه مُجرد به ذیای واقیعت پا می گذارد را می توان در اسناد منتشر شده از سوی وبگاه "ویکی لیکس" مشاهده کرد. بر پایه اسناد مزبور، ایالات متحده آگاهانه از کنار جنایاتی که دولت عراق به طور پیوسته و سیستماتیک علیه شهروندان خود مرتکب گردیده، گذر کرده است. فراتر از آن، دستگاههای اداری و نظامی آمریکا در عراق، به طور فعال و گسترده به سرپوش گذاری بر اعمال دولت آقای مالکی و گمراه سازی پیرامون آن پرداخته اند. در همین رابطه، سندهای منتشر شده "ویکی لیکس" آخرین تردیدها پیرامون علت برخورد شرم آور دولت ایالات متحده با تهددات خود به عنوان دولت اشغالگر در مورد شهر اشرف که محل اقامت

اعضای مجاهدین خلق است را برطرف می کند. کاخ سفید برای تقویت طرف حساب خود در عراق، نه تنها قتل و شکنجه و ربایش شهروندان عراقی بلکه همچنین مخالفان رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان بخشی از الزامات تامین منافع خود منظور کرده است.

## برآمد

ظرفیت دوچندان شده زد و بند گرد منافع ملی و کشور از سوی فراكسیونهای پانده آقای خامنه ای در ازای "تضمین امنیتی" و گنجایش بالقوه طرفهای خارجی رژیم جمهوری اسلامی برای بهره برداری از آن، ضرورت مبارزه و ایجاد فشار برای گذاشتن مساله حقوق بشر و حقوق شهروندان ایرانی را روی هر میز مذاکره ای که یک طرف آن نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی نشسته باشند، مطرح می سازد.

با شرایط جدیدی که در یک سوی آن تلاشی باند ولی فقیه و در سوی دیگر تاثیرات عمیق تحریمها قرار گرفته، خواست دیرینه مخالفان رژیم و نیز کوشندگان حقوق انسانها مبنی بر طرح وضعیت حقوق بشر در ایران همراه با مذاکرات هسته ای، امروز مبرم تر و راهگشا تر از هر هنگام دیگر در مرکز سیاست فعال جا گرفته است. در این راستا، سطح کُنشهای مستقل و واکنشها در برابر تحولات می بایست از مفهوم کلی "منافع ملی" فراتر رفته، آن را دقیق سازد و بر ارتباط بی واسطه اش با حقوق شهروندان، کرامت آنها و زیست و کار شایسته انسان معاصر، تاکید ورزد.

تحت چارچوب تازه، ادعای "دفاع از منافع ملی" بدون اشاره به حوزه های مشخصی که منافع مزبور تجلی می باید و بدون نشان دادن راههایی که به دفاع و تامین آن همین امروز و همین جا می انجامد، به خودی خود بیان کننده هیچ چیز نیست. روشن این است که در رابطه با بین المللی شدن وضعیت حقوق بشر در ایران، "منافع ملی" اسم رمز تلاش حکومت به منظور خصوصی قلمداد کردن امر پایمالی حقوق پایه ای مردم ایران است.

## هراس رژیم از گسترش جنبش

## مطالباتی کارگران

## زینت میرهاشمی

بر اساس اخبار منتشر شده در ماه گذشته، کارفرمای شرکت راهسازی خرمشهر از اخراج گروهی ۲۳۰ کارگر شاغل در این شرکت خبر داده است. در مورد عدم پرداخت مطالبات معوقه کارگران نیز در ماه گذشته گزارشات زیادی منتشر شد که برای نمونه می توان به عدم پرداخت ماهها دستمزد به کارگران ریسندگی خاور در رشت، کارگران شهرداری شوشتر، کارگران کارخانه زرین بنا (پارسیان) واقع در کیلومتر ۳۰ جاده سنندج-دهگلان اشاره کرد. همچنین در حال حاضر بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار بازنشسته تحت پوشش تامین اجتماعی قرار دارند که حداقل مستمری ۸۰ درصد آنان ۳۵۳ هزار تومان است که با توجه به نرخ تورم در شرایط کنونی جامعه و اعلام ۸۰۰ هزار تومان برای خط فقر، همه این بازنشستگان زیر خط فقر قرار دارند. از این نمونه ها در ماه گذشته به تعداد زیاد وجود داشته است



روز سه شنبه ۱۸ آبان، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله کرمان از دریافت بودجه میلیونی از طرف دولت برای افزایش پایگاههای بسیج خبر داد. به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، مطهری در جمع بسیجیان اعلام کرد که: «هر ساله به منظور تامین تجهیزات و امکانات مورد نیاز گردانهای عاشورا و الزهرا بسیج معادل ۲۵۰ میلیون دلار اختصاص می یابد.»

اختصاص این بودجه میلیونی، بخش ناچیزی از هزینه دیکتاتوری دینی برای برپا نگاه داشتن معبد ویرانه نظام جمهوری اسلامی است. بسیج یک نهاد نظامی امنیتی وابسته به سپاه پاسداران و زیر امر ولی فقیه است که طی سالهای گذشته با به دست گرفتن شریکهای اقتصادی به چابیدن مردم مشغول است. تعیین بودجه نظامی سال ۸۹ به نفع افزایش بی سابقه بودجه برای بسیج و تشکلهای وابسته به سپاه، بار وظیفه چماقداری و سرکوبگری بسیج را بیشتر می کند. این نهاد سر سپرده ولی فقیه، در سرکوب خیزشهای مردمی و نیز سرکوب دانشجویان نقش اساسی بر عهده داشته و به شدت مورد تفر مردم است. خامنه ای با حمایت مستقیم از سپاه و بسیج همراه با موضع گیری علیه مردم، مشوق به کارگیری هر چه بیشتر خشونت علیه مردم است. تجهیزات و امکاناتی که پاسدار مطهری به آنها اشاره کرده است، بنا به اعتراف خودش برای سرکوب جنبشهای مردمی است.

بقیه در صفحه ۵

شعار «مرگ بر ظالمان» که در روز ۳۰ آبان توسط صدها تن از کارگران خشمگین کارخانه لوله سازی خوزستان، داده شد، حکومتی را نشانه می رود که بیشترین خدمت را به نئولیبرالیسم و سرمایه داری انگلی داخلی نموده است. گسترش حرکتهای اعتراضی کارگران علیرغم تهدید به اخراج و فشار بر فعالان کارگری و نیز زندانی نمودن شرکت کنندگان در اعتراضهای کارگری، گواهی بر پوچ بودن شعارهای دولت احمدی نژاد می دهد. این شعارهای به ظاهر پوپولیستی پوششی برای سیاستهای ضد کارگری ولی فقیه است که نزد کارگران و مزدبگیران هیچ خریداری ندارد. ماهیت ضد انسانی و ضد کارگری برنامه ها و سیاستهای اقتصادی رژیم را کارگرانی که به مدت بیش از یک سال حقوق دریافت نمی کنند و با آینده ای از بیکاری، عدم امنیت شغلی، بالاترین و محروم از زندگی انسانی روبرو هستند، با گوشت و پوست خود حس می کنند و آن را در شعارهایشان منعکس می کنند. در برابر محرومیت مردم زحمتکش از حقوق اولیه شان که تنها بخشی از ارزش کار واقعی آنان است، پایگاههای بسیج ضد مردمی با پولهای بی حساب دولت گسترش می یابند.

برای نمونه و بر اساس گزارشی که در ماه گذشته در رسانه های دولتی منتشر شد، صدها کارگر رسمی و قراردادی کارخانه «پنچال سازی ایران پویا» به مدت ۴ ماه دستمزد خود را دریافت نکرده اند. طی این مدت کارگران بارها با توقف کار و تجمع در محوطه کارخانه خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود شده اما همواره با کارشکنی و تهدید به اخراج کارگران از سوی کارفرمای مربوطه روبرو شده اند. این کارخانه تا سال گذشته بیش از ۱۰۰۰ کارگر داشت و با اخراجهای پی در پی تعداد کارگران آن به ۴۰۰ تن تقلیل پیدا کرده است.

در ماه گذشته ۴ کارخانه دیگر از ۱۲ کارخانه واقع در منطقه «تهران پارس» تعطیل و صدها کارگر بیکار شدند. بیش از ۶ هزار کارگر شاغل و اخراجی کارخانه های واقع در استان قزوین با مشکلاتی از قبیل عدم پرداخت دستمزدهای معوقه، اخراج سازی و عدم بازنشستگی درگیر هستند. به گزارش ایلنا، دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین که یک نهاد دولتی است در این مورد می گوید: «بیش از ۶ هزار کارگر منتظرند تا وضعیت بازنشستگی، اشتغال و حقوق عقب افتاده آنها در سفر هیات دولت به استان قزوین حل و فصل شود.»

به گزارش خبرنگار نظام پرستاری، با مخالفت دولت و مجلس برای استخدام ۲۳ هزار پرستار، بسیاری از پرستاران کشور طی تماس با سازمان نظام پرستاری با تاکید بر کمبود شدید نیرو در بیمارستانها، نگرانی خود را از وضعیت رسیدگی به بیماران اعلام کردند.

## هراس رژیم از گسترش جنبش مطالباتی کارگران

بقیه از صفحه ۴

### حذف یارانه ها همراه با سرکوبی و وعده های توخالی

گفتارهای تهدید آمیز و ضد و نقیض پایوران رژیم در آستانه اجرایی کردن طرح حذف یارانه ها، بازتاب وحشت رژیم از اراده مردمی است که اگر سرنیزه و داغ شکنجه و سرکوب بر بالای سرش نباشد، یک لحظه امکان اجرایی کردن چنین کلان طرحهای ناعادلانه ای را به رژیم نمی دهند. به راستی این طرح چه نفعی برای مردم دارد که مجریانش برای عملی کردن آن باید از نیروهای انتظامی و کاردهای ویژه در نقاط مختلف کشور استفاده کنند.

سخن پراکنیهای کارگزاران رژیم بر سر این طرح چنان ضد و نقیض و مستخره است که وزیر اقتصاد و دارایی روز دوشنبه ۱۷ آبان از رسانه های حکومتی درخواست کرد که «به دنبال تناقض یا کنار هم گذاشتن جملات مسئولان مختلف نباشند». محمدرضا نقدی رئیس «سازمان بسیج مستضعفان» برای اجرایی شدن طرح فوق نهاد تحت امر خود را مسئول مهار شورشیهای مردمی اعلام کرده است. او بخشهای آسیب پذیر را به «صبر و تحمل بیشتر» فراخوانده تا در زمانی نامعین بتوانند «طعم میوه های شیرین اجرای این قانون را بچشند».

اما مستخره تر سخن پراکنی مهدی غضنفری، وزیر بازرگانی رژیم در روز دوشنبه ۱۷ آبان است. حرفهای او مانند این است که با نشان دادن عکس یک شکلات به کودکی، به او بگویی اگر این را بخوری دندان خراب می شود. وی به مردم توصیه می کند که «نباید مبالغ واریز شده برای خرید بیشتر هزینه شود و مصرف کنندگان باید رفتار خرید عادی و همیشگی خود را دنبال کنند». این حرف در حالی زده می شود که قیمت بسیاری از کالاهای اولیه در ماههای اخیر افزایش یافته و میزان این افزایش هیچ خوانایی با مبلغ احتمالی یارانه که تاکنون اعلام شده است ندارد. کارشناسان اقتصادی رژیم پیش بینی کرده اند که زندگی مردم فقیرانه تر خواهد شد، یعنی مردم توان تامین مایحتاج زندگیشان را به صورت قبل نخواهند داشت.

### ثروت مردم ایران در جیب کرزای و طالبان

روزنامه نیویورک تایمز، روز دوشنبه ۳ مهر از ماجرای سفر کرزای به ایران و دادن بسته های پول توسط احمدی

نژاد به رئیس دفتر کرزای پرده برداشت.

گیرنده باج که آقای کرزای و رئیس دفترش باشند لب به اعتراف گشودند. در حالی که سفارت جمهوری اسلامی در افغانستان طی اطلاعیه ای بخشش کیسه های پول نقد به رئیس دفتر کرزای را تکذیب کرده و آن را «شایعات بی اساس»، «اهانت آمیز» و «طبق معمول «توطئه دشمنان» نامیده است، روز دوشنبه ۳ مهر حامد کرزای دریافت میلیونها دلار پول از ایران را البته با فعل استمراری تایید کرد. یعنی این بسته های پول مدتهاست گرفته شده و گرفته خواهد شد.

ارسال بسته های پول از طرف رژیم ایران به کرزای، تقویت تروریسم در منطقه و یا دخالت در کشورهای همسایه مانند عراق و فلسطین و لبنان با هدف تولید بحران خارج از مرزهای ایران و با هدف قدرت گیری در منطقه با گذر از بحران داخلی و سرکوب مردم ایران، موضوعی است که سالهاست از طرف مخالفان رژیم به ویژه اپوزیسیون سازمان یافته یعنی شورای ملی مقاومت افشا شده است. یکی از اهداف رژیم، ایجاد اتحاد جماهیر اسلامی است. سیاستهای ماجراجویانه به منظور تبدیل شدن به یک قدرت رهبری کننده در منطقه از طریق صدور تروریسم و بنیادگرایی اسلامی و دامن زدن به جنگ عملی می شود. طی سه دهه گذشته این سیاست بیشترین خسارت را به مردم ایران وارد کرده است. موضوع غنی سازی اورانیوم و دستیابی به سلاح اتمی، تولید بحران در منطقه و سرکوب مردم در داخل سوژه های به هم وابسته اند که طی این سه دهه رژیم را بر سر پا نگاه داشته است.

### دستگیری فعالان کارگری

در ماه گذشته فشار بر فعالان سندیکای شرکت واحد افزایش یافته و تعدادی از آنها دستگیر شدند. در حالی که رضا شهبابی، خزانه دار سندیکای شرکت واحد و منصور اسانلو از رهبران سندیکای شرکت واحد به دلیل دفاع از حقوق کارگران در سیاهچالهای رژیم به سر می برند، تعداد دیگری دستگیر شده اند. در حال حاضر ۵ نفر از اعضای سندیکای شرکت واحد در زندان به سر می برند.

فشار بر فعالان سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه نیز همچنان ادامه دارد. سه فعال کارگری عضو این سندیکا، آقایان بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی و بهروز ملازاده از سوی شعبه

۱۳ بیدادگاه تجدیدنظر اهواز به شش ماه زندان محکوم شده اند.

شورای عالی امنیت رژیم به رسانه های حکومتی دستور داده که خبرهای

مربوط به اعتراضهای کارگری را انتشار ندهند.

در ماه گذشته فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (آی.تی.اف) با انتشار بیانیه ای از بازداشت غلامرضا غلام حسینی، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ابراز نگرانی کرد.

با بحرانی شدن شرایط اقتصادی در آستانه حذف یارانه ها و امکان شدت یابی اعتراضهای کارگری و صنفی، فشار بر فعالان و مدافعان تشکلهای مستقل کارگری از طرف رژیم افزایش یافته است. پایوران رژیم در سخن پراکنیهای تهدیدآمیز خود مرتب به مردم هشدار می دهند تا بدین گونه از موج اعتراضهای احتمالی جلوگیری کنند.

این هشدارها آن قدر تهدیدآمیز و خشن شده که معترضان به شرایط اقتصادی را «فتنه گران» می خوانند. فراسوی این جو رعب و وحشت، ترویج خشونت حکومتی علیه کارگران و مزدبگیرانی است که برای حقوق ابتدایی خود دست به اعتراض می زنند. ایجاد این شرایط ضد انسانی، زمینه های سرکوب بیشتر فعالان کارگری چه در محیط کار و چه در زندان را افزایش می دهد.

تشدید فشار، آزار و اذیت و دستگیری فعالان کارگری محکوم است. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید آزاد گردند.

### برخی از مهمترین حرکت های اعتراضی کارگران و

#### مزدبگیران در آبان ۱۳۸۹

\* روز یکشنبه ۲ آبان فرهنگیان ناحیه ۱ مشهد که نسبت به حکم بیدادگاه شعبه ۱۰۳ عمومی مشهد در خصوص عدم انجام تعهدات تعاونی مسکن ناحیه یک مشهد معترض بودند مقابل دادگستری مشهد تجمع کردند.

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس هر کدام از این فرهنگیان از سال ۸۴ تا امروز نزدیک به ۱۴ میلیون تومان به حساب شرکت تعاونی واریز نموده اند که پس از پیگیریهای لازم متوجه شده اند که رئیس سابق هیات مدیره اقدامی انجام نداده است.

\* کارگران کیان تایر برای تحقق خواستههایشان تا پایان وقت اداری روز یکشنبه ۲ آبان اقدام به آتش زدن لاستیک در محل کارخانه و مشرف به جاده اسلامشهر (روبروی بخشرداری چهاردانگه) کردند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران، کارگران خشمگین کیان تایر تمامی

پارچه نوشته هایی را که از بیرون و با مضامین تبریک به بخشدار چهاردانگه به عنوان بخشدار نمونه بر قسمت بیرونی نرده های کارخانه نصب شده بود پایین کشیده و آنها را نیز آتش زدند.

همزمان توافقی در وزارت صنایع میان نمایندگان کارگران و کارفرما و مسئولان این وزارتخانه صورت گرفت و کارگران اعلام کرده اند چنانچه روز دوشنبه توافقات صورت گرفته عملی نشود از روز سه شنبه ۴ آبان حرکت اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت. در روز سه شنبه ۴ آبان کارگران از ساعت ۹ صبح اقدام به آتش زدن ضایعات لاستیک در محل کارخانه کردند و همزمان با برگزاری جلسه ای در بخشرداری چهاردانگه که فرماندار اسلامشهر و مسئولان نیروی انتظامی در آن شرکت داشتند حدود ۲۰۰ نفر از کارگران با قصد مسدود کردن جاده اسلامشهر اقدام به خروج از کارخانه کردند که پس از مشورتی میان کارگران و نمایندگانشان، آنان به محل کارخانه بازگشتند.

\* صدها کارگر کارخانه «نورد و لوله صفا» واقع در جاده تهران - ساوه، در پی پرداخت نشدن دو ماه حقوق شان در روز پنجشنبه ۶ آبان دست به اعتصاب غذا زده اند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران، در پی اعتصاب غذای کارگران این کارخانه که ۱۳۰۰ پرسنل دارد، کارفرما اعلام کرد دستمزدهای معوقه را تا چند روز آینده پرداخت خواهد کرد. کارگران کارخانه «نورد و لوله صفا» در ماههای گذشته نیز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق شان دست به اعتصاب زده بودند.

\* کارگران سازمان فضای سبز شهرداری آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه حقوق و بیمه خود روز پنجشنبه ۶ آبان در مقابل شهرداری مرکزی آبادان تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری آفتاب کارگران معترض گفته اند، دریافت نکردن سه ماهه حقوق، سبب بروز مشکلاتی برای آنها در تامین امرار معاش، پرداخت قبوض، تحصیل فرزندان و غیره شده است. سرپرست شهرداری آبادان، دلیل تاخیر در پرداخت حقوق و بیمه کارگران را مسدود بودن حساب این سازمان از سوی سازمان مالیات ارزش افزوده عنوان کرده است.

\* به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، در روز یکشنبه ۹ آبان، حدود ۳۰ تن از بقیه در صفحه ۶

## برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آبان ۱۳۸۹

بقیه از صفحه ۵

کارگران سیمان درود واقع در استان لرستان در اعتراض و اعتصاب برای تثبیت قراردادهایشان، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و روانه ی بازداشتگاه شدند. این کارگران که تحت پیمانهای موقتی در کارخانه سیمان درود مشغول به کار بودند پس از آن که متوجه شدند علی‌رغم وعده‌های داده شده قرار نیست آنها را به عقد قرارداد دائمی و رسمی شرکت مذکور درآورند، دست از کار کشیدند و به اعتراض از طریق اعتصاب عمومی پرداختند و در نتیجه تولید در این کارخانه متوقف گردید و با هجوم نیروهای انتظامی و امنیتی، ۳۰ تن از این کارگران بازداشت شدند.

\*به گزارش آژانس ایران خبر صبح روز یکشنبه ۹ آبان، کارگران کارخانه لبنیات شقایق، تولید کننده مواد لبنی در مقابل اداره کل صنایع تجمع کردند تا از این طریق شاید پنج ماه حقوق و مزایای معوقه خود را دریافت کنند .

\*اعتصاب روز یکشنبه ۹ آبان کارگران فنی ریل‌های راه آهن بین شهری تهران در منطقه اسلام شهر، با دریافت ۲ ماه از دستمزدهای معوقه آنان پایان یافت. به گزارش سایت اینترنتی جنبش کارگری، در پی اعتصاب یکصد تن از کارگران فنی خط و ریل راه آهن بین شهری تهران منطقه اسلام شهر و زمزمه پیوستن کارگران خطوط و بخشهای دیگر راه آهن به کارگران اعتصابی جهت دریافت ۳ ماه دستمزدهای معوق و پرداخت حق بیمه آنان از سوی شرکت «راژمان کبیر»، کارفرما مجبور به پرداخت ۲ ماه دستمزدهای معوقه بیش از یک‌هزار کارگر شاغل در این شرکت گردید.

\*کارگران فازهای ۱۴ و ۱۵ میدان گازی پارس جنوبی که در اختیار شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران است، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق چند ماه گذشته خود از روز دوشنبه ۱۰ آبان دست به اعتصاب زدند.

به گزارش ندای سبز آزادی، کارگران در اعتراض به دریافت نکردن حقوق چند ماه گذشته خود یعنی زمانی که سپاه پاسداران پیمانکار پروژه بود، اعتراض کردند.

قرارداد توسعه فازهای ۱۴ و ۱۵ پارس جنوبی تا چندی پیش در اختیار سپاه پاسداران بود؛ اما اکنون پیمانکار فاز ۱۴ کنسرسیومی متشکل از هشت شرکت

داخلی به رهبری سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدور) است توسعه فاز ۱۵ پارس جنوبی نیز که تا مهر ماه در اختیار قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه بود، چند هفته پیش به شرکت کشتی‌سازی خلیج فارس، «ایزویکو» واگذار شد.

\*کارگران کارخانه نساجی مازندران روز چهارشنبه ۱۲ آبان پس از راهپیمایی از محل این واحد تولیدی، در مقابل فرمانداری قائم شهر تحصن کردند.

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس این کارگران از آذر سال گذشته، چهار ماه عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده اند و سه ماه از حقوق سال جاری نیز به آنان پرداخت نشده است .

کارگران این کارخانه به خبرنگار فارس گفته اند که، نانواپیمها دیگر به آنها نان اقساطی نمی فروشند و تمام فروشگاهها به علت بدهی بالای آنها از فروش اغذیه و پوشاک خودداری می‌کنند.

\*کارگران کارخانه لاستیک البرز تهران، در پی قول نمایندگان وزارت صنایع و کارفرما برای قبول خواسته هایشان، از روز چهارشنبه ۱۲ آبان به اعتصاب یک ماهه خود پایان دادند و با شروع به کار از روز شنبه ۱۵ آبان موافقت کردند.

یکی از کارگران لاستیک البرز به رادیو فردا گفت که نیمی از حقوق شه‌ریور ماه کارگران پرداخت شدن و گفته شده است که بلافاصله پس از پرداخت وام به کارخانه، حقوق شان را دریافت خواهند کرد.

\*گروهی از کارگران و بازنشستگان تامین اجتماعی، ظهر روز چهارشنبه ۱۲ آبان در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند .

به گزارش خبر آنلاین، اعتراض این کارگران و بازنشستگان به دخالت دولت در سازمان تامین اجتماعی بود که در جریان بررسی برنامه پنجم توسعه نمایندگان به آن رای مثبت دادند .

\*جمعی از اعضای خانه کارگر روز شنبه ۱۵ آبان در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا تجمع علت این حرکت اعتراضی مخالفت با جدا شدن درمان مستقیم از تامین اجتماعی و واگذاری آن به وزارت بهداشت بوده است. این کارگران همچنین نسبت به افزایش ۶ درصدی دستمزدها اعتراض داشتند و خواستار افزایش ۱۵ درصدی دستمزد خود بودند.

\*کارگران معادن روستاهای «رودبار و قشلاق مینودشت» واقع در استان گلستان در اعتراض به عدم دریافت

دستمزدهای معوقه خود دست به اعتراض زدند.

به گزارش روز یکشنبه ۱۶ آبان رادیو فردا به نقل از خبرگزاری دولتی مهر، کارگران معادن این منطقه در ۱۰ ماه گذشته دستمزد دریافت نکرده اند. همین گزارش می افزاید جمعی از کارگران زغال سنگ «البرز شرقی» نیز در هفته های اخیر چند روز به دلیل عدم دریافت دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند و در محل کار خویش حاضر نشدند.

استان گلستان دارای ۲۱ معدن فعال می باشد که در نیمه نخست سال جاری بیش از ۱۷۹ هزار تن مواد معدنی زغال سنگ از آنها توسط کارگران استخراج شده است.

\*تعدادی از کارگران شرکت پوشینه بافت که ۱۱ ماه حقوق خود را دریافت نکرده‌اند صبح روز سه شنبه ۱۸ آبان در مقابل استانداری قزوین تجمع کردند.

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس از قزوین، یکی از کارگران تجمع کننده در خصوص مشکلات خود گفت: متأسفانه بارها و بارها به مسئولان مختلف برای حل مشکل این شرکت مراجعه کرده‌ایم ولی با وجود این پیگیریها تاکنون مشکل کارگران این شرکت حل نشده است.

کارگران این شرکت در ۱۷ مهر امسال، برای چهارمین بار از قزوین به تهران آمده بودند و مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کرده بودند. همچنین روز شنبه ۱ آبان، کارگران این کارخانه برای پیگیری حقوقهای ماههای گذشته خود در مقابل درب این شرکت از ساعت هشت صبح تجمع کردند. روز دوشنبه ۹ آبان نیز کارگران شرکت پوشینه بافت در مقابل استانداری قزوین تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند.

\*کارگران اخراجی کارخانه قند بردسیر روز دوشنبه ۱۷ آبان در مقابل اداره کار این شهر تجمع کرده و خواستار دریافت دو سال حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

به گزارش ایران کارگر، یکی از کارگران ضمن اعتراض به مقامات ومسئولان دست اندرکار گفت:«بالاخره باید سراغ چه کسی در این مملکت رفت که حرفش حرف باشد و بشود روی آن حساب کرد، ما بیش از دو سال است که از کار اخراج شده ایم و هیچ کاری هم برای ما پیدا نمی‌شود که انجام دهیم. ما می‌خواهیم که به سر کار برگردیم. آیا زن و بچه‌های ما انسان نیستند و حق زندگی و نفس کشیدن ندارند؟ از کجا باید مخارج آنها تامین شود؟ نه اداره کار، نه فرمانداری، نه استانداری و نه هیچ مقامی به اعتراضات و تجمعات ما جوابی نداده‌اند.»

\*کارگران کارخانه چینی البرز واقع در شهر قزوین در روز چهارشنبه ۱۹ آبان، همزمان با حضور احمدی نژاد در قزوین، برای پیگیری مشکلات و دستمزدهای معوقه خود به جای استقبال از احمدی نژاد، در مقابل اداره صنایع این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایران کارگر، در اسفند ماه سال گذشته حکم انحلال کارخانه چینی البرز صادر و کارگران این کارخانه از فروردین ماه سالیاری تاکنون به طور مستمر در حال برگزاری تجمعات اعتراضی برای به دست آوردن دستمزدهای معوقه و سایر مطالبات خود هستند.

\*بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، بیش از ۲۰ تن از کارگران شرکت ساختمانی «بنای مهاباد» در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و عدم بیمه خود، روز شنبه ۲۲ آبان اعتصاب کردند.

کارگران معترض اعلام کرده اند تا زمانی که دستمزدهای معوقه و بیمه تامین اجتماعی آنان از سوی کارفرمای شرکت پرداخت نگردد از رفتن بر سر کار امتناع ورزید و به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. کارگران شاغل در این شرکت بیش از ۳ ماه است دستمزدهای معوقه خود را دریافت نکرده اند.

\*هزاران تن از مهندسانی که در سراسر ایران در طرح خودکفایی گندم شاغل بوده اند در اعتراض به بیکاری و بلا تکلیفی خود در روز یکشنبه ۲۳ آبان، در مقابل صدا و سیما رژیم تجمع اعتراضی برپا داشتند.

به گزارش خبرنگار شبکه خبری آتی نیوز، یکی از این افراد که در تجمع مهندسان ناظر طرح گندم در مقابل ورودی مرکز همایشهای صدا و سیما سخن می گفت، اظهار داشت:«هشت سال است که مسئولان به مهندسان ناظر طرح گندم وعده جذب و استخدام داده اند اما با گذشت این مدت از استخدام و جذب در وزارت جهاد کشاورزی خبری نیست.»

\*روز یکشنبه ۲۳ آبانماه کارکنان استانداری اردبیل در اعتراض به قطع کمک هزینه هایشان در محل استانداری تجمع اعتراضی برپا داشتند. به گزارش جرس، کارمندان معترض استانداری اردبیل خواستار احقاق حقوق خود، ارائه پاداشها و کمک هزینه ها از جمله حق عائله مندی، فرزند و ناهار خود شدند.

\*روز دوشنبه ۲۴ آبان، کارگران کفش بلا با تجمع در مقابل دفتر مرکزی این بقیه در صفحه ۷



## برخی از مهمترین حرفتهای اعتراضی کارگران ....

بقیه از صفحه ۶  
شرکت اعتراض خود را نسبت به عملکرد مدیریت کنونی این مجموعه اعلام کردند.  
به گزارش ایلنا، در این تجمع کارگران کفش بلا با انتقاد از عملکرد ۶ ماه گذشته مدیریت این شرکت نسبت به آینده شغلی خود ابراز نگرانی کردند. آنها از بانک ملی به عنوان سهامدار و مالک کارخانه کفش بلا خواستند تا با نظارت بر عملکرد هیات مدیره به وضع موجود خاتمه دهند.

\* بنا بر گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران «نورد لوله صفا» روز دوشنبه ۲۴ آبانماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای موقه خود بار دیگر اعتصاب کردند.

در این اعتصاب کارگران سالنهای «اسپیرال، rd و erw» که تعداد آنها حدود ۶۰۰ نفر هستند» به طور متحدانه و یکپارچه ای شرکت داشتند و بقیه کارگران سالنهای دیگر نیز به تدریج به اعتصاب پیوستند. در پی این اقدام کارفرمایان با حضور در جمع کارگران اعتصابی تهدید به اخراج آنان کردند. کارگران نیز تهدید به برپایی تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری شهر ساوه نمودند.

\* کارگران شرکت لوله سازی خوزستان روز شنبه ۲۹ آبان، مقابل استانداری در شهر اهواز تجمع اعتراضی کردند. به گزارش خبرگزاری دولتی ایلنا، عضو شورای کارگری کارخانه لوله سازی خوزستان با اشاره به این که کارگران این کارخانه ۱۸ ماه کامل است که حقوق نگرفته اند، گفت: «ما خواهان راه اندازی مجدد کارخانه هستیم.»

کارگران خشمگین شعار می دادند، مرگ بر ظالمین، مرگ بر ظالمین.

## دو گزارش کوتاه از شرکت آریا کیان نیروگاه بخاری و گازی لوشان

این شرکت در ۱۰ کیلومتری آبیگ قزوین قرار دارد وابسته به بخش خصوصی است. مالک و کارفرمای شرکت، فرامرز

شهرپاری، مدام در مسافرت های خارج از کشور به سر می برد. تولیدات شرکت بیشتر لوازم جعبه فرمان خودرو پراید و مونتاژ آن است و در ضمن رنگ آمیزی بدنه خودروهای پژو و سمند و پراید را نیز در این کارخانه انجام می گیرد. در کارخانه حدود ۲۰۰ کارگر مشغول به کارند که اکثراً قراردادی اند و قراردادهای سه ماهه و سه ماهه است. کارخانه دارای سرویس ایاب و ذهاب و کانتین نهارخوری برای نهار و شام است. دستمزد کارگران براساس مصوبه اداره کار پرداخت می شود.

## نیروگاه بخاری و گازی لوشان

این نیروگاه نیمه خصوصی زیرمجموعه وزارت نیرو است و در ۵ کیلومتری لوشان، مسیر جاده قدیم رشت - قزوین، قرار دارد.

مدیرعامل کارخانه فردی ضدکارگر به نام پورجمال است و کارکنان شرکت حدود ۳۰۰ نفرند که از این تعداد ۲۰۰ نفر استخدامی دائم و ۱۰۰ نفر دیگر قراردادی هستند. قراردادهای معمولاً یک ماهه و سه ماهه است. ۵۰ درصد کارگران حدود ۸ الی ۲۲ سال، ۳۰ درصد در حدود یک الی ۸ سال و ۲۰ درصد بقیه بیش از ۲۲ و اکثراً بالای ۲۵ سال سابقه کار دارند. شرکت ۲۴ ساعته فعال است و کارگران به طور شیفتی به سرکار می آیند. در این میان، کارگران در شهرهای رشت، قزوین، لوشان، منجیل، رودبار و ... با سرویس به کارخانه می آیند. کارخانه دارای کانتینر جهت صرف نهار و شام کارگران است. اخیراً شایعه خرید این نیروگاه توسط شرکت گل گهر سیرجان به سر زبان ها افتاده و هراس از اخراج موجب نگرانی کارگران، چه استخدامی و چه قراردادی، گردیده است. لازم به ذکر است که می گویند گل گهر سیرجان از شرکت های وابسته به سپاه پاسداران است. فعالان ضدسرمایه داری گیلان ۱۸ آبان ۱۳۸۹

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

## جهان در آینه مرور

### سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۶) لیلا جدیدی

## « 10 آموزش برای سازماندهی یک جنبش »

«مطالعه آموزشهای این جنبش به ما و مردم ایران که در نبردی سخت علیه جمهوری اسلامی قرار داریم، می آموزد که پیروزیهای مقطعی خود را چگونه بررسی و ارزیابی کرده و از آثار آن در دستیابی به هدف استراتژیک خود که همانا سرنگونی حکومت ولایت فقیه است، بهره بگیریم.»

### از سیاتل تا جنوا

در سال ۱۹۹۹، بیش از ۸۰ هزار نفر که از سراسر آمریکا به سیاتل آمده بودند، توانستند طی ۵ روز گردهمایی و تظاهرات، نشست سازمان تجارت جهانی را متوقف کنند. با وجود رویارویی سخت و خشونت آمیز پلیس، دانش آموزان و دانشجویان، سازمان دهندگان، کارگران و مردم عادی در یک خیزش عمومی شرکت کردند و تا پیروزی و کسب هدف مقطعی خود مقاومت کردند. وزرای تجاری، روسای دول و نمایندگان کمپانیها ناچار به عقب نشینی شدند و اعلام کردند که نشست سران در آستانه هزاره دوم یک شکست کامل بود. «استفنی گیلود»، یکی از بنیانگذاران و رهبران این جنبش در مقاله ای با عنوان «۱۰ آموزش برای سازماندهی یک جنبش» می نویسد: «ما گفتیم این نشست را متوقف می کنیم و کردیم».

همزمان، جنبشی که از سیاتل آغاز شد، یک حرکت اعتراضی جهانی برای همبستگی با آن را از هند تا ایتالیا نیز شکل داد. ۳۰ شهر بزرگ جهان در این کارزار همبستگی شرکت کردند.

11 سال از آغاز این جنبش می گذرد، چه دستاوردهایی در این مدت داشته؟ چگونه جنبشی که از سیاتل آغاز شد، توانسته است به تغییرات بنیادی اجتماعی واقعی دست یابد؟ نیروهای جدید کدامند و قدرت جنبشهای اجتماعی چگونه ارزیابی می شود؟

مطالعه آموزشهای این جنبش به ما و مردم ایران که در نبردی سخت علیه جمهوری اسلامی قرار داریم، می آموزد که پیروزیهای مقطعی خود را چگونه بررسی و ارزیابی کرده و از آثار آن در دستیابی به هدف استراتژیک خود که همانا سرنگونی حکومت ولایت فقیه است، بهره بگیریم.

پیش از آنکه به ۱۰ آموزش و جمع بندی «استفنی گیلود» بپردازیم، نگاهی کوتاه به علل اعتراضات و خواستههای این جنبش می افکنیم.

### نو - لیبرالیسم پس از جنگ سرد و جنبشهای اعتراضی

با پایان جنگ سرد و آغاز جهانی سازی سرمایه داری، تقویت نهادهای فرمالیتی آن و پیشبرد نو-لیبرالیسم، جنبشهایی نیز علیه آن شکل گرفت. این جنبشها، نهادهای و مراکز مالی جهانی از جمله، «بانک جهانی (WB)»، «صندوق بین المللی پول (IMF)»، «سازمان

توسعه همکاریهای اقتصادی (OECD)، «سازمان جهانی تجارت (WTO)»، و بازار آزاد که شامل «پیمان بازار آزاد آمریکای شمالی» (NAFTA) و «تجارت جهانی آمریکای شمالی» و «بازار آزاد پیرامون آمریکا» (FTAA) و «پیمان چند جانبه سرمایه گذاری» (MAD) را هدف اعتراضهای خود قرار دادند. آن چه که به «جنبش ضد جهانی سازی» معروف است، در واقع از سوی این جنبش به «جنبش علیه سرمایه داری کمپانیهای بزرگ»، «جنبش عدالت جهانی»، «جنبش دگرگون سازی جهانی»، «جنبش ضد جهانی سازی کمپانیها» و یا «جنبش علیه جهانی سازی لیبرالیسم» خوانده می شود.

«نوام چامسکی» در این باره می گوید: «واژه «جهانی سازی» یعنی، حفظ حقوق جهانی سرمایه گذار، در حالی که باید «توافق سرمایه گذاری آزاد جهانی» باشد (Znet, May 07 2002).

وی بعدها و پس از تشکیل «فوروم جهانی» در مصاحبه ای در سال ۲۰۰۵ گفت: «فوروم اجتماعی جهانی را ضد جهانی سازی» نام می گذارند و این به خاطر تبلیغات سیستم است که فورمی که جمعیت زیادی را از سراسر جهان از هر شغل و جایگاهی که فکر کنی، در برابر یک طبقه حاکمه کوچک که در فوروم جهانی اقتصاد جمع می کند، «ضد جهانی سازی» می نامند (Interview by Snjezana Matejčić, June 2005).

این جنبش در مخرج مشترک خود علیه کمپانیهای بزرگ چند ملیتی شکل گرفت که دارای قدرت سیاسی تعدیل نشده هستند و توان عملی که می تواند به وسیله قراردادهای تجاری و بازار مالی خصوصی شده، سود خود را به بالاترین میزان از جیب زحمتکشان و به بهای حذف امنیت شغلی و پایین آوردن استانداردهای استخدام و جبران خسارتهای اخراج و بی توجهی به اصول و پرنسیپهای زیست محیطی بیرون بکشد.

در گزارشی از سوی «ژان زیگلر»، گزارشگر ویژه سازمان ملل پیرامون حق انسانها در دسترسی به مواد غذایی آمده است: «میلیونها کشاورز منبع درآمد خود را در کشورهای در حال توسعه از دست می دهند اما کشاورزان کوچک نیز در کشورهای توسعه یافته در رنج هستند».

در این گزارش نتیجه گیری می شود: «به سبب نابرابری در سیستم تجارت جهانی تحت بقیه در صفحه ۸

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷

سیاستهای بانک جهانی، نابرابری قدرت بین کشورهای عضو افزایش یافته است."

فعالان این جنبش معتقدند که سوبسیدهای کلان کشاورزی در کشورهای پیشرفته موجب گردیده که صنعت کشاورزی آنان رونق بیشتری پیدا کند و باعث سقوط بخش کشاورزی در بسیاری از کشورها بشود.

از سوی دیگر، نولیبرالها می گویند که تجارت آزاد، منافع کشورهای فقیر را در نظر دارد و فقط به سود کشورهای ثروتمند نیست. جنبش ضد جهانی سازی معتقد است که تخریب محیط زیست، نقض حقوق بشر و بنیادهای غیر دمکراتیک، حاصل نولیبرالیسم است.

به طور کلی اعتراض جنبش به این بود که نهادهای جهانی سازی از امکاناتی که در زیر می آید برخوردار هستند، در حالیکه شهروندان عادی از آن محرومند:

۱- عبور آزادانه از مرزها

۲- استخراج منابع طبیعی کشورها

۳- در دست داشتن منابع انسانی متنوع

۴- خروج پس از وارد کردن صدماتی

جبران ناپذیر به سرمایه ها و تنوع طبیعی ملتها.

همچنین در سال ۲۰۰۲، جبهه گیری ضد جنگ از جمله علیه اشغال عراق نیز در کانون آماجهای این جنبش قرار گرفت. جالب توجه است که اعتراض ۱۱ میلیون نفر در فوریه ۲۰۰۳ علیه جنگ در عراق را نیویورک تایمز "دومین ابر قدرت جهان" نام نهاد.

## اعتراضهای بزرگ جنبش ضد جهانی سازی بازار آزاد



۱۸ - کارناوال علیه سرمایه داری یا جی

اولین اعتراضهای متشکل در ژوئن سال ۱۹۹۹ در تعدادی از شهرهای جهان صورت گرفت که بدان نام "کارناوال علیه سرمایه داری یا جی" داده شد. این اعتراضها به خشونت کشیده شد و گروههای آنارشویست آمریکایی موفق شدند پلیس را از پارکی در یوجین در ایالت اورگان خارج کنند.

۲- در سیاتل، اعتراض به گردهمایی سازمان تجارت جهانی N 30 دومین تظاهرات در نوامبر ۱۹۹۹ علیه کنفرانس ورزا که توسط سازمان جهانی

تجارت برگزار می شد، در سیاتل واقع در ایالت واشنگتن صورت گرفت. معترضان از ورود نمایندگان به محل نشست سازمان تجارت جهانی جلوگیری کردند. این تظاهرات N30 خوانده شد. تظاهرکنندگان همچنین مراسم بازگشایی این میتینگ را بر هم زدند. این تظاهرات نیز به خشونت کشیده شد. پلیس از گاز اشک آور استفاده کرد با این حال تظاهر کنندگان، خیابانهای اطراف مقر کنفرانس را بستند و از پراکنده شدن خودداری کردند. بیش از ۶۰۰ نفر دستگیر و هزاران نفر از جمله ۳ پلیس زخمی شدند. تظاهر کنندگان با پرتاب سنگ، پنجره فروشگاههای زنجیره ای را که صاحبان آن شرکتهای بزرگ

۴- جنوا، تظاهرات خونین

در ژوئیه ۲۰۰۱ نشست سران جی ۸ در جنوا، ایتالیا، برگزار می شد. اعتراضات به این نشست یکی از خونین ترین تظاهرات در اروپای غربی در تاریخ معاصر بود. در این تظاهرات یک جوان آنارشویست نام کارلو جولیانو (Carlo Giuliani) توسط پلیس که به صورت وی شلیک کرد، کشته شد. در این تظاهرات، شرکت کنندگان در دو شکل، تظاهرات آرام و خشونت آمیز حضور داشتند، با این حال هر دو به خشونت کشیده شد و تعدادی از هر دو



مانند "نایکی" و "استار باکس" بودند را شکستند. در پی اوج گرفتن اعتراضها، شهردار، حکومت نظامی اعلام کرد. تا سال ۲۰۰۲ شهر سیاتل مبلغ ۲۰۰ هزار دلار جریمه به خاطر شکایتهایی که علیه پلیس و دستگیریهایی غیرقانونی آن شده بود، پرداخت کرد. رسیدگی به این شکایات پس از آن نیز ادامه یافت.

۳- در واشنگتن، اعتراض به نشست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی (A 16) در آوریل سال ۲۰۰۰، تظاهر کنندگان علیه نشست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به اعتراض برخاستند. پلیس در خیابان فلوریدا با ایجاد سنگر و انبار مهمات به مقابله پرداخت. در این تظاهرات ۶۷۸ نفر دستگیر شدند که در میان آنها "کارول کوزی"، عکاس واشنگتن پست و برنده ۳ بار جایزه "پلیتر" نیز به چشم می خورد. همچنین عده ای از جمله دو روزنامه نگار آسوشیتدپرس نیز با باتومهای پلیس مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

طبق تجربه عینی که گزارش آن در "نبرد خلق" نیز به چاپ رسید، شهر واشنگتن به دو قسمت تظاهرات قانونی و غیر قانونی تقسیم شده بود. مردم در برابر حمله پلیس روی زمین می نشستند و شعار می دادند: "خشونت نه". در نوامبر ۲۰۰۹ شکایت جمعی به خاطر دستگیریهایی غیر قانونی، در

دستگیر شدگان از رفتار غیرقانونی پلیس، این بار ۸/۲۵ میلیون دلار برای سرکوبگران هزینه در بر داشت.

## آموزش برای سازماندهی یک جنبش

"استفنی گیلود"، یک از بنیانگذاران و رهبران "شبکه اقدام مستقیم"، ساکن شهر "اولمپیا" در ایالت واشنگتن بود که فروپاشی میتینگ سازمان تجارت جهانی را در "نبرد سیاتل" نقطه عطفی در زندگی خود می داند. وی به فعالیت خود در سازماندهی فوروم اجتماعی آمریکای شمالی و "مجمع جنبش مردمی" ادامه داده است. استفنی در نوشته ای با عنوان "۱۰ آموزش برای سازماندهی جنبش" می گوید: "به طور روزانه این آموزشها را با احساس مسوولیت و با تواضع کامل در دستور کار خود قرار می دهم".

او توضیح می دهد که در جمعبدی خود "هر گاه از واژه "ما" استفاده می کنم، اشاره به قشر جوانی دارم که در سنین ۲۰ سالگی هستند و در سیاتل، اولمپیا، پورتلند و کناره ساحلی زندگی می کنند و بسیاری دیگر که بسیج کنندگان، سازمان دهندگان و اجرا کنندگان استراتژی این حرکت بودند و ماهها برای آن برنامه ریزی کردند". شرح مختصری از جمعبدی وی را در زیر می خوانید:

## ۱- تاریخ خود را بشناس: سیاتل نقطه عطف بود

سیاتل نقطه عطفی در تاریخ جنبش ما برای مبارزه با بی عدالتی نژادی، اقتصادی و جنسیتی بود. تظاهرات ما در سیاتل به خاطر جایگاه و همچنین موقعیت جغرافیایی ما که در ایالات متحده آمریکا هستیم، موثر واقع شد. سیاتل شروع جنبش نبود اما آغاز ارتباطات لازم و پر اهمیت ما در آمریکا با باقی جهان بود.

جنبش جهانی برای دهها سال نهادهای مالی را به چالش کشیده بود اما تظاهرات ۵ روزه ما و واکنش خشونت آمیز حکومت و اتحادهای به وجود آمده ناشی از آن، چندین جهش مهم تاریخی را در برداشت. این تظاهرات برای شهروندان آمریکایی آثار مخرب جهانی سازی را لمس پذیر کرد. سازماندهی ما نشان داد که می توانیم به مقابله با سیاستها و برنامه های سازمان تجارت جهانی (WTO) برویم و برای اولین بار در تاریخ، میتینگ جهانی نهاد های مالی را بر هم زیم. سیاتل درها را بر عصر جدیدی از مبارزات در آمریکا گشود. ضعفها و نقاط قدرت در تلاشهایمان برای سازماندهی، چراغی بود که راهنمای ما در کارهای جدیدمان شد. گفتگوهای جدی و اشتیاق جدیدی در نسل جدید ایجاد کرد. برای این نسل امکان درک اقدام

بقیه در صفحه ۹

۵- واشنگتن، خیزش پر هزینه

در سپتامبر ۲۰۰۲ تظاهرات دیگری در واشنگتن علیه صندوق بین المللی پول صورت گرفت که چندین گروه از جمله، "همگرایی ضد سرمایه داری" و "بسیج عمومی برای عدالت جهانی" در آن شرکت داشتند. در این تظاهرات نیز ۶۴۹ نفر دستگیر شدند که ۱۷ نفر آنان گزارشگر و روزنامه نگار بودند. شکایت



## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸

به ایجاد جنبش و درک استراتژی و اثر بخشی آن را فراهم آورد. این خیزش فرصتی بود تا نیروی ابتکارات خود را در سازماندهی توده ای دریابیم، همچنین ضعفها و نقایص رهبری و عدم وجود ارتباطات لازم جهت اقدام برای تغییرات دراز مدت را نشان داد.

### ۲- پیروزیهای خود را اعلام و اشتباهات خود را محاسبه کن

این که چگونه ما توانستیم برای این پیروزی سازماندهی کنیم، هنوز یک سوال است. در هر جنبش، برنده شدن معنای خاصی دارد. باید موقعیت سیاسی و توان و خواست مردمی که در آن شرکت دارند را در نظر گرفت. ما گفتیم این میتینگ را برهم می زنیم، بدون این که کاملا اعتماد به نفس داشته باشیم اما در اولین روز به آن چه گفتیم، دست یافتیم. برهم زدن نشست یک نهاد مالی مهم به وسیله دهها هزار نفر که بسیار منظم و متشکل در اقداماتی غیر خشونت آمیز حرکت کردند، یک پیروزی بود.

پیروزی خود را اعلام کردن اهمیت زیادی در گرفتن تصمیمات تاکتیکی در میدان و همچنین درک اهمیت سیاسی آن در مرحله بعدی دارد. بعد از روز اول ما شورای سخنگوی خود را به آسانی گرد هم آوردیم. ما از احتمال این که عده ای به زندان خواهند رفت، آگاه بودیم. برای آن برنامه ریزی کرده بودیم. با این وجود، خوشبختانه از شوق پیروزی فراتر رفتیم و این را درک کردیم که این پروسه ادامه خواهد داشت. در روزهای بعد، خواستهها و تاکتیکهای دیگری را پیش کشیدیم و افراد تازه ای را به صحنه آوردیم. این همان چشیدن طعم سازماندهی جنبش است و گرنه چطور می شود بی درنگ و به طور پیوسته و در مقابل اقدامات و واکنشهای دولت به حرکت ادامه داده و به بسیج مردم و افزودن به وسعت جنبش پرداخت؟ چگونه به جهتی حرکت کنیم و بعد دوباره بازگردیم و از نو شروع کنیم آن هم هنگامی که به یک پیروزی دست یافته ایم و در شرایطی هستیم که پس از یک تظاهرات بزرگ، از هجوم توده ای مردم کاسته شده است؟ چگونه می توانستیم لحظه پیروزی را با استراتژی و برنامه هایی که از پیش ریخته شده، بسط داده و آن چه که آغاز کرده ایم را تداوم بخشیم؟ و در نهایت چگونه امکان داشت گامهایی را که باید بر می داشتیم اما بر نداشتیم را پس از این تجربه بزرگ و گسترده محاسبه کنیم؟ چطور انتقادات را بشنویم و درک کنیم و از آنها استقبال کنیم و در همان حال

شوق پیروزی و اعتماد به حقانیت عمل خود را از دست ندهیم؟

### ۳- دشمن خود را شناسایی کن:

تظاهرات توده ای خود به خودی نیست جهانی سازی و لیبرالیسم ترمهای روزمره در گفتگوهای مردم نبود. سازمان تجارت جهانی تقریبا ناشناخته بود و نشستهای آن به طور سری برگزار می شد و همزمان، روابط و تصمیمها بین دولتها و نمایندگان کمپانیها شفاف نبود. ما بر این باور بودیم که اگر بگذاریم این نشست، پنهانی برگزار شود، زندگی همه ما در خطر است. ما می دانستیم که یک حرکت بزرگ خود به خودی به وجود نخواهد آمد و نیاز به دخالت و شرکت بخشهای زیادی از جامعه به ویژه در سیاتل است. ما در بیشمار کلاسها، سخنرانیها نوشته ها و غیره، با اتحادیه ها، با فرد فرد اشخاص، در کلاسها و در محله ها با مردم ارتباط گرفتیم. اثرات تصمیمهای سازمان جهانی تجارت پیرامون مواد غذایی، سلامتی و اقتصاد را توضیح دادیم. تیمی از ما لیست طولی تهیه کرد، این لیست را در تابستان آن سال به ۲۵ هزار نفر که در بخشهای زیست محیطی، نیروی

### ۴- دیگران هم پیوستند. سازماندهی و آماده بودن، اقدامات خود به خودی را نیز همراه آورد

روز اول تظاهرات، افراد حاضر در میدان، متفاوت بودند. آنها نیروهای سازمانیافته بودند. آنان، دوستان "شبهه اقدام مستقیم" که برای ماهها آماده و متشکل شده بودند را شامل می شدند، از این رو حرکتهای آنها دقیق و به گونه ای متفاوت برنامه ریزی شده بود. برخی از آنها کارورزانی در سیاتل بودند که کار خود را رها کردند و زنجیره ای در برابر درب شیشه ای مقرر نشست زدند. آنها همان کسانی بودند که مورد ضرب و شتم پلیس، گاز اشک آور و غیره قرار گرفته و دستگیر شدند. در این مدت نمایندگان سازمان جهانی تجارت جهانی به خشم آمده بودند. در سومین روز تظاهرات و پس از آن که عده ای دستگیر شدند و رسانه ها هم گزارشهایی هر چند گسیج کننده داده بودند، این مردم بودند که خشمگین شده بودند. اکنون مردم می خواستند به ما پیوندند؛ مردمی که سازماندهی نشده بودند و بدین صورت بود که تظاهرات خود به خودی رخ داد.



در شرایط تازه، ما مردم را به دو دسته تقسیم کردیم. عده ای را به مقابل زندانها که ۶۰۰ نفر افراد دستگیر شده در آنجا بودند، بردیم. ما توانستیم با موفقیت به تاکتیکهای غافلگیر کننده دست بزنیم (به خاطر داشته باشید که در آن هنگام نه تلفن موبایلی بود، نه اس ام اس و نه تویتر و ایمیل به طور محدود وجود داشت). ۲۰۰ نفر را به مقابل زندان بردیم و خواست خود را بیان کردیم، و کلا را آوردیم و به داخل فرستادیم اما پیروزی واقعی حضور توده ای مردمی بود که هیچ آمادگی نداشتند، هیچ گونه تجربه نداشتند اما کاملا به رهبری ما اعتماد کردند و جمعی حرکت می کردند. برای این که این اعتماد به وجود بیاید، ما فرهنگی را خلق کردیم، برای این همگرایی هر کاری توانستیم کردیم و سپس در یک لحظه، فرهنگی خود به خود ظهور کرد؛ روشی که در درخواست

کار، صلح و عدالت اجتماعی کار می کردند، رساندیم. این گزارش نشان می داد که سازمان جهانی تجارت نهادی ناعادلانه و غیر دموکراتیک است و اعلام کردیم که در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۹ باید بسته شود. یکی از مهمترین دستاوردهای ما در سازماندهی این جنبش این بود که مردم دشمن را شناختند. آنها دلایل و توضیحات اقدام علیه آن را می دانستند و از کاراکتر ناعادلانه و اثرات آن با خبر شدند. ما به گونه ای سازماندهی کردیم که بتوانیم پیروزیمان را قطعی کنیم. ما مطالعه کردیم و تاکتیکها و استراتژی خود را از جنگ داخلی اسپانیا و جنبش ضد هسته ای آموخته و به کار بردیم. همزمان، تاکتیکها و استراتژیهای جدیدی نیز ابداع کرده و به کار بردیم. این جنبش برنامه ریزی شده و شبکه ای به تظاهراتی توده ای با آثاری جهانی تبدیل شد.

و پاسخ گیری رویایی بود. باید از واژه های پر معنی و دقیق استفاده می کردیم و همانجا و همان زمان به نتیجه می رسیدیم.

هنوز هم برای من تکانهنده است وقتی به نیروی مردمی و توان ابتکاری آنان فکر می کنم.

### ۵- غافلگیری فقط یکبار است، تاکتیکها و استراتژیها را باید تغییر داد

ما نمی توانیم بر استراتژیهای کهنه تکیه کنیم فقط به این خاطر که در گذشته موثر بودند. تنها از طریق تظاهرات توده ای نیست که می توانیم اعتراضهای خود را بیان کنیم. برای نمونه، غافلگیر کردن پلیس در سیاتل ما را در هر حرکتی در موقعیت برتر قرار می داد. اما به خاطر ماهیت جنبش ما که مسلحانه نبود، ما نمی توانستیم همان تاکتیک را به کار ببریم، تکرار کنیم و پیروز هم بشویم. ما باید هوشیار تر می بودیم، یعنی یکی دو گام جلو تر حرکت می کردیم، به طوری که هر قسمتی که می رفتیم را کاملا در اختیار بگیریم.

موضوع دیگر آن که همیشه همگرایی توده مردم به اندازه سازماندهی محلی موثر نیست. ما همین تجربه را در پروسه تشکیل فوروم اجتماعی آمریکا هم به دست آوردیم. این فوروم هم اگر ما در محلهای گوناگونی که شامل منطقه ای، ملی و جهانی باشد، فعالیت نکنیم، در معرض خطر تبدیل شدن به یک کنفرانس بزرگ قرار می گیرد.

بر اساس تجربه من، حضور و کار در جنوب [آمریکا] و سازماندهی فوروم اجتماعی آمریکا که پروسه آن با همگرایی و رهبری سیاهپوستان به پیش رانده می شود، لازم و با ارزش است. همگرایی و پیوستن مردم به تظاهرات در سیاتل مهم بود اما ما همیشه علیه یک نهاد ستمگر نمی جنگیم. ما در کنار هم قرار می گیریم که عمق و پهنای نیروهای محلی را وسعت دهیم. تاکتیکها و استراتژیهای تازه نیز از همینها بر خواهد خاست.

### ۶- سخن از رهبر نیست، سخن از رهبری کردن است.

دو اصل مهم را می توان از درون یک گروه متشکل و هماهنگ آموخت: نخست آن که هر کس وظیفه خود را ایفا می کند و دوم به این که دیگران نیز وظیفه خود را ایفا می کنند. اعتماد دارد. وظایف مشخص و لازمی برای هر کس وجود دارد. پروسه اعتماد سازی و مهارت یافتن در چنین گروهی طی زمان به وجود می آید و سبب می شود که هر کس وظیفه خود را به بهترین شیوه ایفا کند. ما سخنگو، نظم

بقیه در صفحه ۱۰

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۹  
دهنده، برنامه ریز، تدارکات کننده، تاکتیک پرداز، حمایت کننده از زندانیان و غیره داشتیم و وقتی خواستیم تصمیم بگیریم، با توافق عمومی تصمیم می گرفتیم. شما نمی توانید ادعا کنید که با ۲۰۰ نفر نمی شود به توافق رسید و یا طول می کشد؛ اگر مدعی شوید، راه آن را نمی دانید

باید یاد گرفت که چگونه صدها نفر را که قرار است هزاران نفر دیگر را رهبری کنند، به انجام وظایفی که بدانها محول می شود، قانع کرد. در پیشبرد تصمیمهای تاکتیکی، رهبری از اهمیت خاصی برخوردار است. رهبری جمعی داشتن آسان نیست، ما در زندگی عادی یاد نگرفته ایم که این گونه کار کنیم اما در شرایطی که ما در آن قرار داشتیم، رهبری به شکلی تنظیم شده بود که در دست تعداد زیادی بود و بی نهایت خوب پیش می رفت. هم زمان باید امکان داده می شد تا هر کس که به میدان آمده بود، احساس پیروزی را در وجودش حس کند. باید ببینیم از این مدل رهبری چه می آموزیم و آموزشهای خود را به اشتراک بگذاریم. باید ببینیم چگونه می توانیم در بسط و گسترش آن تلاش کنیم.

## ۷- لطفاً استراتژی داشته باش! حرکت پرشی، جنبش ساختن نیست

بسیاری از تظاهراتی که پس از سیاتل انجام شد، دارای همان اهداف، زمانبندی و بسیج محلی نبود، اگر چه به پیروزیهای نیز دست یافت. از این رو، موقعیت برای ساختن جنبشهای وسیع تر و جهانی تر وجود داشت که به آن چه در سیاتل رخ داد، نزدیک بود.

برای این که جنبش جهانی عدالت خواهی را در حوزه های محلی خود سازماندهی کنیم، باید درک کنیم که فرم و شکل و اعمال قدرت نهادهای مالی بین المللی تغییر کرده است. کلوپ انحصاری قدرتهای مستعمراتی تبدیل به جی ۸ و سپس جی ۲۰ شدند. ما چطور باید تغییر جهت و روش بدهیم تا با شرایط جدید رو به رو شویم؟ چه نوع سازماندهی باید در سطح محلی داشته باشیم تا ضمن این که آثار این سیاستها را در نابسامانیها و اوضاع و احوال محلی برجسته می کنیم، در سطح گسترده تری نیز واقعیتها را ببینیم و بدان اعتراض کنیم.

۸- توسعه و گسترش رهبری  
وقتی ارتباطات بین چندین نسل برقرار بود، تواناییها بالا بود، هنگامی که ما فقط به خود به عنوان جوانان متکی می

شدیم، لنگ می ماندیم. بیشتر ما که در این تظاهرات شرکت کرده بودیم، جوان بودیم (استفنی ۲۲ ساله بود) اما تجربه بزرگی آموختیم.

ما با همان مشکلاتی که رهبریهایی جوان تجربه می کنند، دست و پنجه نرم می کردیم. ما فاقد جهت سیاسی، استراتژی، توسعه یابی و مهارت در سازماندهی بودیم. به موضوع شرکت و حمایت و تجربه اندوزی از نسلهای گذشته نباید کم بها داد. من را یک وکیل با تجربه، استخدام و آموزش داده بود. او مرا به چالش می کشید، تشویق می کرد و اتفاقات را در سطحی وسیع تر و تاریخی تر توضیح داده و ارتباط آن را شرح می داد. آموزشی که من روزانه می گرفتم، سبب شد که در سازماندهی مهارت پیدا کنم. دیگران نیز در محیط خود با افرادی پر تجربه در ارتباط بودند اما ساختار این جنبش به صورتی نبود که بتوان به آموزش ادامه داد. از این رو است که من در هر لحظه تلاش می کنم به کسانی که در این مبارزه تلاش می کنند، آموزش دهم و خود نیز بیاموزم.

## ۹- احساس گناه حرکت ما را کند می کند: همبستگی عمل است

"الیزابت مارتینس" در مقاله ای تحت عنوان "رنگ در سیاتل کجا بود؟" بحث مهمی را آغاز کرد. این بحثهای بعد از تظاهرات در باره نژاد، رنگ پوست، رهبری و عدالت جهانی بود. او مطرح می کند که چگونه به علت عدم حضور وسیع سیاهپوستان، برتری سفید پوستان و نژاد پرستی خود را در جنبشهای اجتماعی ما نشان داده است. تظاهرات سیاتل "جنبش سفیدها" نبود اما تضادهای بسیاری را پیرامون رهبری، نژاد و فرهنگ ایجاد کرد. بحث در باره نقش سفیدها در رهبری و در میان سازمان دهندگان بالا گرفت. درسی که جنبش ما در آمریکا باید می گرفت، درک این امر بود که چگونه باید هم افرادی در موقعیتهای ممتاز و هم

افرادی در موقعیتهای سرکوب شده را دریابیم و در ساختن جنبشی کوشا باشیم که بزرگ، پنهان و عمیق بوده و رهبری آن ریشه در درون مردمی داشته باشد که خود بی عدالتی و استثمار را در حال و در گذشته تجربه کرده اند.

## ۱۰- چشم انداز خود را بدان! بیاموز تا بتوانی به جلو حرکت کنی

آموزشهای آن زمان همواره در کار سازماندهی روزانه ام با من هستند. من در سال ۲۰۰۳ به جنوب رفتم (از هیستون به آتلانتا) تا با "پروژه جنوب" کار کنم و سازماندهی جنبش را در جوامع مردم جنوب تجربه و تمرین کنم. پس از سیاتل من می فهمم که پیرامون استراتژی، تاریخ و تنوع اشکال متعددی از سازماندهی و برای داشتن آمادگی در برابر واکنشهای آبی، به آموزش بیشتری نیاز دارم. "پروژه جنوب" یکی از لنگرهای اصلی فوروم اجتماعی بود. برای من این فوروم ادامه آن حرکتی است که در سیاتل شروع کردیم، در یک تغییر جهت هیجان انگیز و جالب.

در کمتر از ده سال پس از نبرد سیاتل، فوروم به خاطر پیوند با مبارزات جهانی دارای چشم اندازهای بیشتر، رهبری قوی تر و ارتباطات استراتژیکی گسترده تر است. ما برای ساختن "مجمع جنبش مردمی (People's Movement Assembly)" می کنیم و این پروسه ای از سازماندهی برای آمادگی شرکت در فوروم جهانی است. تلاش می کنیم تا بتوانیم در فوروم تصمیم گیری کرده و راهبردهای خود را ارتقا دهیم.

ما در این مدت آموختیم که چگونه "مجمع جنبش مردمی" را بسازیم، با توده مردم پیوند داشته باشیم، تصمیم گیری جمعی کنیم و شفاف سازی سیاسی، رهبری جمعی و اعتماد به این که پیش خواهیم رفت را در دستور کار قرار دهیم. آن چه که در سالهای آینده می سازیم، ما را به سمت رشد جنبش و پیروزی سوق خواهد داد.

\*سازمانی که بیش از ۲۳ سال پیش در جنوب آمریکا پایه گذاری شد

ادامه دارد

## نامه زندانی سیاسی علی صارمی:

## احمدی نژاد می خواهد جهان را هم اینگونه مدیریت کند؟!

به نام خدا، از زمانی که ایپشون (احمدی نژاد) بر تخت جلوس فرموده اند بنده در زندان بسر می برم و از اوضاع بیرون از زندان بی خبرم ولی سال جلوس ایشان ما یک پاکت خرما ۷۰۰ گرمی را می خریدیم ۱۲۵۰ تومان ولی اکنون آخرین خرید ما ۳۷۰۰ تومان بوده است. اجاره منزل ما ۲ میلیون پول پیش قسط بوده و ۷۰ هزار تومان اجاره ولی اکنون ۱۰ میلیون پول پیش قسط و ۲۰۰ هزار تومان اجاره ماهیانه است. همان زمان که مرا دستگیر کردند به گفته بازجو کل زندانیان سیاسی سراسر کشور ۸۰ نفر بودند در حالی که اکنون فقط در زندان گوهردشت و اوین بیش از ۴۰۰ نفر زندانی سیاسی می باشد در بقیه کشور هم خبری ندارم. در آن زمان تعدادی حزب خودی که فعالیت داشتند اکنون همانها هم وجود ندارند. برآورد وضعیت زندانیهای غیرسیاسی زیاد دشوار نیست یک زندانی هنگامی که به زندان وارد می شود جز مقداری پول در جیب و لباس تنش چیز دیگری ندارد. در قرنطینه زندان که معمولاً از یک تا سه روز طول می کشد یک دست لباس زیر و ظرف غذا و لیوان یک بار مصرف به هر نفر می دهند. ولی هنگامی که وارد بند می شوند نه از لباس خبری هست و نه از ظرف غذا و لیوان و مسواک و خمیر دندان و همه اینها را خود زندانی باید تهیه نماید. این در حالی است که بسیاری از زندانیها خانه ندارند و یا از خانواده طرد شده اند و یا خانواده آنها توان تامین مالی آنها را ندارند شماری از اینها دچار اختلالات روانی هستند و یا دچار بیماریهای هستند که نمی توانند خودشان را کنترل بیاورند. زندگی این نیازمندان به طور تاسفباری رقت انگیز است. غذای خود را داخل تکه ای پلاستیک و یا بریده ظرف شیری که دیگران خورده اند و یا بخشی از بریده یک دبه ۴ لیتری مایع دستشویی پلاستیکی می گیرند و می خورند مظاف بر اینها افزایش روزافزون زندانیان می باشد. که در اثر ناتوانی مدیریت کلان کشور در اداره آن است. آمار سال ۸۸ که من به زندان گوهردشت منتقل شدم. آن زمان آمار زندانیهای بند ما (بند ۴) در حدود ۵۰۰ نفر بودند امسال همان آبان ماه آمار زندانیهای بند ما ۱۳۰۰ نفرند یعنی ظرف یک سال بیش از ۵۰۰ برابر شده اند ماهیانه بیش از ۶۰ نفر به تعداد زندانیها افزوده می شود. زندان گوهردشت ۸ بند دارد که به همین نسبت به زندانیهای آنها نیز افزوده شده اند یعنی افزایش زندانی ظرف ۱ سال در زندان گوهردشت بیش از ۴۵۰ نفر بوده است با توجه به این که در تهران بیش از ۱۰ زندان وجود دارد پس افزایش زندان در تهران ماهیانه بیش از ۴۵۰ نفر می باشد و چون بیش از ۱۰ شهر بزرگ در کشور وجود دارد افزایش زندانیها در ماه بیش از ۴۵ هزار نفر می باشد. حال باید پرسید اگر این حکومت خدای نکرده چند سال دیگر ادامه پیدا کند تکلیف مردم ایران چه خواهد بود؟ همه اینها جدای از مساله اعتیاد نبود آب گرم و غیره در زندان می باشد. والسلام ۲۶ آبان ماه ۱۳۸۹

منبع: ایران پرس نیوز ۲۸ آبان ۱۳۸۹

## یک سر و هزار سودا

جعفر پویه

سفر چند باره علی خامنه ای، رهبر و ولی فقیه درمانده رژیم جمهوری اسلامی به قم نشان از تلاطم و درگیری در بالاترین سطوح رژیم دارد. نزاع و کشاکش بین باندهای قدرت، شاخ و شانه کشیدن جریانهای باند غالب برای یکدیگر بر سر تقسیم غنائم و از همه بدتر، هزار پاره شدن آن چیزهایی که خامنه ای سعی داشت به مددشان یکدست سازی رژیم را به پیش برد، تنها بخشهایی از نگرانیهای اوست.

کشاکش بین مجلس و دولت و گاه بالاگرفتن آن به گونه ای که اساس رژیم را به زیر سووال می کشد، یکی از این نشانه هاست. از سوی دیگر، خرده باندهایی که جریان نزدیک به خامنه ای را می سازند، هر کدام ساز خود را کوک کرده و هیچ نشانی از کوتاه آمدن یا توافق بین آنها دیده نمی شود. همچنین فشار بی وقفه بر رفسنجانی برای سرکوب کردن یکی از سرشاخه های باندهای موازی توانسته نتیجه مطلوب به بار آورد. هرچند این فشارها به طور روز افزونی انجام می پذیرد اما عدم امید خامنه ای به زود بازدهی این کار باعث می شود تا او دست به مانور دیگری بزند. ناتوانی از به هم آوردن شکاف در بالا و عدم توانایی در کنترل جریانهای مختلف، او را به سوی پایگاه سنتی آخوندها در قم می کشاند تا مگر این که از این طریق بتواند ابزاری برای سر پا نگه داشتن پایه های رو به سستی قدرتش دست و پا کند اما همه نشانه ها گواه از ناکامی او در این کار و بی نتیجه بودن تلاش و تقلاهای بسیار وی برای باز گرداندن آب رفته به جوی دارد.

### سوداییان قدرت

باند غالب رژیم که خود را تحت نام کلی جریان اصولگرایی تعریف می کند، از به هم آمدن خرده جریاناتی شکل می گیرد که بیش از همه در مخالفت با باند حریف یعنی، جریان مغلوب موسوم به اصلاح طلبی خود را تعریف می کنند. این جریانها که یک صدا در برابر حریف، کر هم صدایی را شکل می دادند، پس از بیرون راندن آنها از قدرت و حاشیه نشین کردن شان، اکنون به جانب هم تاخت آورده و یکدیگر را زیر ضرب گرفته اند. بدیهی است این دندان نشان دادن گرگها به هم، تنها برای سهم بیشتر از قدرت و به کار گیری ابزار سابق علیه رقبای جدید است. این رقابت در میدان اصولگرایی رژیم کار را بدان جا رسانده

احمدی نژاد در پشت سرش وجود ندارد و کسی را نیز یارای هموردی در این پهنه با او نیست. این است که هرگونه کوتاه آمدن و همکاری در بین آنان بی نتیجه بوده و این شکاف همچنان خود برجای می ماند.

همچنین گروههای دیگری که خود را اصولگرا می دانند اما منتقد دولت احمدی نژاد هستند نیز خود به چندین خرده جریان تقسیم می شوند. "جمعیت ایشارگران" و "رهپویان انقلاب اسلامی" دو جریان عمده این گروهها هستند. جمعیت ایشارگران به دبیر کلی حسین فدایی و جمعیت رهپویان انقلاب به دبیر کلی علیرضا زاکانی هرچند خود را منتقد دولت احمدی نژاد نشان می دهند اما رفتار آنان و برخوردهای منفعت طلبانه شان با اتفاقات و جریانات جاری باعث می شود تا دیگران از نزدیکی به آنان پرهیز کنند و توانمندی آنها برای تبدیل شدن به یک باند عمده سلب شود. به همین دلیل به عنوان خرده جریانها و باندهایی که در صورت بروز اتفاقی می توانند تبدیل به بلندگوی بخشی از قدرت طلبان شوند، همچنان در انتظار اتفاقی هستند تا فلسفه وجودی خود را به اثبات برسانند.

اما در میان این طیف رنگارنگ، دسته ای دیگر وجود دارند که به کمتر از قتل و مرگ و کشتار راضی نمی شوند. آنان را در تقسیم بندیهای خرده جریان اصولگرایی در دسته اصولگرایان افراطی جای می دهند. اینها همه جا حضور دارند و مواضع متناقض وجه بارز آنان است. هنگامی که از احمدی نژاد حمایت می کنند، همزمان انتقادهای تندی را نیز علیه او بیان می دارند. گوش به فرمان بودن و خط و ربط از جای دیگر گرفتن وجه بارز این جریان است. معلوم نیست حامی دولت هستند یا منتقد آن. حرفهای بی ریشه، انتقادهای سطحی و حمایتهای چشم و گوش بسته آنان از احمدی نژاد می گوید که این چماق به دستان و حل کنندگان مشکلات رژیم به ضرب قمه و زنجیر و اسلحه، در حالی که از قدرت بسیاری برخوردارند اما بی بته و ریشه ترین جریان اصولگرایی رژیم را تشکیل می دهند.

در این دسته بندیها اما یک عده دیگر نیز حضور دارند که پیروان حزب باد و رهروان تیوری "هر که خر شد ما هم پالانش" هستند. آنان خود را اصولگرایان معتدل و یا دیگران آنان را به این نام می نامند. همچون ژوکر در بازی ورق، تعیین کننده در برخی مواقع حساس هستند. حاضر به نوسان در هر عرصه و پهنه ای اند و قادرند به هر شکل و شمایلی خود را بیارایند. این دسته از متدلهای جریان اصولگرایی که در فضای بین دو صندلی همه سالنها زندگی می کنند، کم تعداد هم نبوده و قادرند حتا تا جناح مقابل یعنی،

اصلاح طلبان خود را گسترش دهند و در صورت نیاز آن گونه خود را آرایش کنند. سرمایه گذاری سردمداران قدرت و کار به دستان در سایه روی این افراد کم نیست زیرا برآوردن نیازهای رژیم به دست آنان و بیان مواضع عجیب و غریب که گاه می تواند ناظران را فریب دهد و باعث کشف جریانهایی در دل رژیم شود که کور سوی امیدشان است، از این روزنه تابانده می شود.

### محلل

آنچه در این بین و به ظاهر ساده سازی باندهای در بالا دیده می شود، عدم سازگاری آنان با یکدیگر و کمر به قتل هم بستن است. به همین دلیل ریش سفیدان و انانی که خود را هنوز وزنه متوازن کننده قدرت می دانند، به میدان می آیند مگر این که از این ارکستر ناکوک، صدایی قابل شنیدن بیرون آوردند. پس از مدت‌های مدید ریش سفیدی و گله گذاری بعضی از زعمای قوم که پای به میدان نهادند، بالاخره با اشاره رهبر و خواست او، عسگروالادی وارد میدان می شود. شعار او گردهم آوردن اصولگرایان یعنی، باند غالب رژیم است. او که دستور از مقامهای بالا دارد، با رفت و آمد بین باندها و جریانهای مختلف سعی می کند تا حداقلی از همکاری را نشان دهد و این جریانهای هزار تکه شده را به هم بچسباند. آیا این لحاف چهل تکه عسگروالادی می تواند اندکی از ترس و لرز خامنه ای از بهم ریختن جبهه موسوم به اصولگرایی را تخفیف دهد؟ باید به نتیجه کارهای تا کنونی او توجه بیشتری کرد.

در وحله اول عسگروالادی سعی می کند تا تعریف مشخصی از جریان اصولگرایی ارائه دهد تا بتواند بر اساس آن، دیگر خرده جریانهایی که به شیوه خود اصولگرایی رژیم ولایت فقیه را تعریف می کنند را به یک نظریه واحد برساند. او می گوید: "بر مبنای بیانات رهبری و امام راحل، دایره اصولگرایی شامل چهار اصل اسلام، جمهوری اسلامی، امام و ولایت فقیه است و تمام افرادی که این چهار اصل را قبول داشته باشند، در دایره اصولگرایی قرار می گیرند".

عسگروالادی حملات تندی به خرده جریاناتی که تنها خود را اصولگرا می دانند کرده و می گوید: "در دیداری به آقای احمدی نژاد گفتم، شما و آقای هاشمی رفسنجانی هر دو اصولگرا هستید، شما فقط طرفداران خود را اصولگرا می دانید و اما آقای هاشمی همه را اصولگرا می دانند. ایشان پرسیدند کدام درست است که گفتم که هیچکدام درست نبوده و هر دو غلط است، بلکه نقطه وسط درست است و افرادی که اصول چهارگانه را قبول

بقیه در صفحه ۱۲



## یک سر و هزار سودا

بقیه از صفحه ۱۱ داشته باشند، جزو اصولگرایان هستند." حال با این تعریف و شیوه عمل عسکراولادی می شود گفت که او آب در هاون می کوبد زیرا داخل کردن رفسنجانی در این طیف و آشتی دادن او با احمدی نژاد که به معنی نزدیکی او به خامنه ای معنی می دهد، کار بیهوده ای است. اما آن چه این تلاش و تقلا را پی می گیرد، این است که با تئوری توطیه به ماجرا نگاه کنیم و بگوییم که در زیر کاسه حرفهای عسکراولادی نیم کاسه ای نهفته است که در این باره در جای خود توضیح خواهم داد.

هرچند دید و بازدهیهای عسکراولادی با احمدی نژاد ابتدا به صورت مخفی و محرمانه برگزار می شد اما بالاخره پرده کنار رفت و نتیجه این رفت و آمدها عیان گردید. غلامرضا مصباحی مقدم، رئیس فراکسیون اصولگرایان مجلس آخوندها به مطبوعات گفت: "در جلسه محرمانه احمدی نژاد با چهره های اصولگرا، هیات سه نفره ای از سوی رئیس جمهور انتخاب شدند که حبیب الله عسکراولادی، علی اکبر ولایتی و غلامعلی حداد عادل اعضا آن هستند." مصباحی مقدم وظیفه این هیات را این گونه بیان می کند: "این افراد مامور شدند تا برگزاری جلسات مشترک میان جریان اصولگرایی کمک کنند تا مواضع مشترک و واحد بیش از پیش در این جریان شکل بگیرد."

او در همین مصاحبه موانع وحدت اصولگرایان را منکر شد و هدف از تشکیل جلسات هیات را وحدت بیشتر و نزدیک شدن دیدگاهها و مواضع افراد بیان کرد. از سوی دیگر، آخوند احمد سالک، عضو جامعه روحانیت مبارز خیر از تشکیل جلسات مشترک جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای تعیین مبانی اصولگرایی می دهد. او نگرانی خود را از استفاده زود هنگام رقبا از این جلسات اعلام می کند و می گوید: "تا زمانی که به نتیجه دلخواه نرسیم، از انتخابات آتی مجلس سخن نمی گوئیم. به آقایی که از حالا در جلسات خود به این موضوع می پردازند هم توصیه می کنیم که دست نگه دارند."

همین چند جمله نشان می دهد که برگزاری جلسات بین دو رهبر تشکیلاتی که خود را صاحب سهم می دانند، از چندان انسجامی برخوردار نیست و کشاکش در آنجا نیز وجود دارد. هرچند محمد یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مهدوی کنی، دبیرکل جامعه روحانیت مبارز

همین دلیل هرچه تلاش و تقلاي محلهها و میانه بگیرهایی همچون عسکراولادی و مهدوی کنی و محمد یزدی بیشتر می شود، نمایان می گردد که آنان نقش بر آب می زند و این درگیری و کشاکش که سر در جایی دیگر دارد با این اقدامات به جایی نخواهد رسید.

### چاقو و دسته اش

در چنین فضایی است که کشاکش مجلس و دولت بر سر اختیارات بالا می گیرد. احمدی نژاد رئیس جمهور برگزیده رهبر در سخنرانیهای خود را بالاتر از مجلس می خواند. او حتا بسیاری از مصوبات مجلس را خلاف قانون اساسی می خواند و اجرا نمی کند. او خواستار حق تذکر قانون اساسی به مجلس و قوای دیگر می شود و با بازگشت دادن بودجه و طرحهایی همچون طرح هدفمند سازی یارانه ها به مجلس خواستار در نظر گرفتن نظریات خود می شود و به طور رسمی اعلام می کند بدون حرف شنویی مجلس از او و اعمال خواسته هایش، مصوبات مجلس را اجرا نمی کند. کشاکش مجلس و رئیس جمهور که سر دیگر رشته قدرت طلبی خامنه ای برای یکدست سازی قدرت است، روز به روز بالاتر می گیرد. کار این درگیری به جایی می رسد که علی لاریجانی، رئیس مجلس نیز چندین بار هشدار می دهد که در صورت ادامه روند کنونی توسط دولت، مجلس از "ابزارهای قانونی" خود استفاده خواهد کرد.

احمدی نژاد در این بین نامه ای به خامنه ای می نویسد و خواهان دخالت او برای جلوگیری از کارشکنی مجلس و مانع تراشی بر سر راه دولت می شود. به زبان دیگر، احمدی نژاد علیه قدرت نظارتی مجلس بر حسن اجرای قوانین و پرسش و پیگیری از وزرا و رئیس جمهور اقدام می کند. خامنه ای نیز نامه احمدی نژاد را به شورای نگهبان ارجاع می دهد و خواستار تشکیل کار گروه مشترکی از دولت، مجلس و صاحب نظران به سرپرستی شورای نگهبان می شود تا "راهکاری قاطع و ماندگار" ارائه دهند. ازایه راهکاری "قاطع و ماندگار" به معنی حذف قدرت نظارتی مجلس و حواله آن به نهادی است که از دسترس دیگران به دور باشد. چه نهادی در این میانه می تواند غیر قابل دسترس تر از خود خامنه ای باشد که در بین سطور نوشته او پنهان است؟

آخوند جنتی و شورای نگهبان تحت سرپرستی او که به حمایت از احمدی نژاد شهره است، وظیفه تبیین این راهکار را از سوی خامنه ای به عهده می گیرد. به زبان دیگر، گرگ، چوپان می شود و گوشت را به دست گربه می سپارند. هرچند نمایندگان مجلس نیز خود برگزیدگان شورای نگهبان هستند

اما خطر را بیخ گوش خود حس می کنند. گرد و خاک کردن جنتی برای نمایندگان مجلس و هشدارهای او از تریبون نماز جمعه نشان می دهد که این کشاکش از چهار چوب مجلس و دولت فراتر رفته و اصل ماجرا انشاقی است که در بالای رژیم وجود دارد و هرچه تلاش می شود، گسترده تر می گردد. در راه یکدست سازی قدرت خامنه ای، جنتی علیه حقوق اولیه مجلس از تریبون نماز جمعه اقدام می کند و می گوید: "شنیدم نمایندگان وزیری را می خواهند و از او چیزی می خواهند و قبول نمی کند و او را تهدید به استیضاح می کنند. امیدوارم این موضوع واقعیت نداشته باشد زیرا چشم تیزبین نظارت ما هم در همه جا کار می کند."

همراه این شاننازه های جنتی، جلسات کار گروه مشترک شورای نگهبان، مجلس و دولت به فرمان خامنه ای جریان دارد. تا این که عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان نتیجه نشستهای کارگروه حل اختلاف مجلس و دولت را در گفتگو با خبرنگاران اعلام می کند. او خود را سخنگوی کار گروه اعلام کرده و نتیجه مذاکرات و تصمیمات را که به خامنه ای پیشنهاد داده، این گونه بر می شمارد: "رئیس جمهوری حق داشته باشد تا در باره نقض اصول قانون اساسی از طرف سایر قوا، به آنها تذکر دهد. مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام تا دوره زمانی محدودی معتبر باشد. نمایندگان حق پافشاری بر تصمیم خود و ارجاع موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام را نداشته باشند و...."

این مصاحبه، نمایندگان مجلس نشین را برآشفته می کند. علی لاریجانی می گوید: "آن چه که کدخدایی مصاحبه کرده، نظر جنتی است."

احمد توکل که خود عضو کار گروه حل اختلاف مجلس و دولت است گفت: "آن چه که آقای کدخدایی به عنوان جمع بندی نظرات کارگروه بیان کردند، تنها نظرات آقای جنتی بود که ایشان هم در نامه شان آن را به کارگروه نسبت ندادند."

او در همین رابطه به ناچار شکست تدبیر مزبور را فاش کرده و تاکید می کند: "کارگروه نه جمع بندی داشت و نه رای گیری شد."

با این حساب، جنتی و دستگاه تحت امر بار دیگر با دروغگویی و شارلان بازی سعی کردند تا به حریفان رو دست بزنند و کار را با یک مانور مطبوعاتی فیصله دهند. اما آن چه کدخدایی اعلام کرده، علاوه بر حق نظارتی مجلس، بیشتر میل به جانب نهادی دیگر یعنی مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد. این قصد، در محدود کردن قدرت آن و سلب حق

بقیه در صفحه ۱۳

## یک سر و هزار سودا

بقیه از صفحه ۱۲

وارد تشخیص داده شد به قوای مختلف ارایه شود.

او همچنین با انتقاد از کسانی که به گفته وی "جوسازی می کنند و به ظاهر از روی دلسوزی برای مراجع، مدعی می شوند که دولت به نظر آنان اعتنا نمی کند"، به دفاتر مراجع تقلید توصیه کرد: "مراقب ترند و تلاشهای رندانه برخی افراد و جریانها باشند."

با یک چنین دقیق می شود فهمید که جوانفکر از زاویه ای به رفسنجانی حمله می کند که دیگران کمتر به آن اشاره دارند و یا سعی می کنند آن را علنی نکنند. رفت و آمد رفسنجانی به قم، نفوذ و رابطه او با آخوندهای بلند پایه و از همه بالاتر، طرح شورای رهبری به وسیله او به جای ولایت فقیه و قدرت مطلقه خامنه ای از جمله مواردی است که جوانفکر مستقیم به آنها نمی پردازد.

اما شکایت رفسنجانی از دستگاه علی خامنه ای به آیت الله ها و آخوندهایی که هیچ قدرتی را بر نمی تابند و خود را بالاتر از همه می دانند و طمع به شورای رهبری به جای ولایت مطلقه خامنه ای که به مذاق آنان خوش تر می آید، همه و همه می تواند یکی از دلایل حمله بدون وقفه به رفسنجانی باشد. ارایه نظریات مراجع به طور مستقیم به رهبر و ارتباط آنان بدون واسطه به او، دور زدن رفسنجانی و دور کردن آخوندهای حوزه از وی معنی می دهد.

به میان کشیدن پای فرزندان رفسنجانی، به دلیل غیر قابل دسترس بودن خودش است. تا وقتی که او جایگاههای بلند مرتبه را اشغال کرده و ریاست مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت را دارد، نمی شود بیش از این به او دسترسی داشت. سر و صدای دانشگاه آزاد و وقف آن از سوی رفسنجانی و دار و دسته او و دورخیز احمدی نژاد برای قبضه کردن آن به دستور خامنه ای و سپس باطل اعلام کردن وقف، نشان از دخالت مستقیم رهبر در این جریان سازی دارد. سخنان جنتی هنگامی که به فرزند رفسنجانی می رسد، آنچنان از تریبون نماز جمعه گفته می شود که انگار تا دیروز همین آخوندها نبودند که واژه آقازاده را برای شناسایی فرزندان خود باب کردند و سر زبانها انداختند. جنتی در مورد فرزند رفسنجانی می گوید: "در مورد فردی به نام مهدی هاشمی توصیه شده که اگر این شخص به ایران بازگشت او را در فرودگاه دستگیر نکنیم چون به او هتک احترام می شود لذا اجازه دهید به خانه برود و استراحت کند و با دوستان خود برنامه هایش را تنظیم کند و ..."

آیا این گفته ها و حرکات جنتی، مهدی هاشمی دیگری را به یاد نمی آورد و

تداعی نمی کند؟ آیا باز جنتی و دار و دسته اش، مشابه برخورد رژیم با نزدیکان منتظری را در دستور دارند؟

### سفرهای بی پایان

به هر حال با چپش حداقلی داده‌ها در کنار هم می شود به دلایل سفر چند باره خامنه ای به قم پی برد. او برای جلوگیری از شکاف بیشتر رژیم، نیاز به آخوندهای قم دارد. کشاکش و درگیری بین گروههای سازنده باند قدرت و عدم توانایی نمایندگان و برگزیدگان او برای جلوگیری از آن، او را وادار می کند تا دست به سوی حوزه و آخوندهای قم دراز کند. او می داند که رفسنجانی در قم پایگاه دارد و بسیاری از آخوندهای بلند پایه قم حاضر به پذیرش اتوریته او نیستند. او هرچند سیاست چماق و هویج را در قم به کار گرفت اما به نظر می رسد تطمیع آخوندها با پول و اموال غارت شده چندان کار ساز نبوده است.

بنابراین او طرحی چند وجهی را برای یکدست کردن قدرت و جلوگیری از سقوط آن و برهم خوردن بساط غارت و چپاول آخوندهای دزد و بادمجان دورقاب چینهایی امنیتی-نظامی در دست اجرا دارد. او می داند که بدون یکدست کردن قدرت امکان کنترل آن وجود ندارد. جنبش اجتماعی مردم از هر زمان دیگری قدرتمندتر و مصمم تر است. نارضایتی در همه سطوح جامعه به حداکثر خود رسیده است و با هر بحرانی امکان بر باد رفتن کل رژیم وجود دارد. باندهای نظامی-امنیتی به چیزی به جر منافع خود نمی اندیشند و حتا در مواردی بحث کودتای نظامی، مشابه آن چه در ترکیه، پاکستان و ... مطرح می شود.

این گونه است که یک پای خامنه ای در قم برای جلب نظر آخوندها و آیت الله هاست و یک پای دیگرش در دیسبه سازی برای حذف رقبای قدرت خود. در این میان آن چه در تیوریهایی او محلی از اعراب ندارد، مردم و وضعیت آنان است که هر روز نسبت به روز قبل بدتر می شود. آنها با بحران اقتصادی، بیکاری، اعتیاد، تورم افسار گسیخته و از همه بدتر، با آثار بحران بین المللی دست به گریبان هستند. در این کشاکش و تلاش همه جانبه کار به کجا خواهد رسید؟ در چشم انداز، ستاره ای به سوی ولایت خامنه ای سوسو نمی زند.

## سرکوب معلمان با استخدام گزینشی

### زینت میرهائمی

فراسوی خبر ۱۳ آبان اگر ولی فقیه و انصارش توانایی پیاده کردن طرحهای طالبان گونه شان را داشت و نیروی مخالفی در برابرش نبود، مدرسه ها زیر سیطره بیت ولی فقیه و حوزه های تحت امرش می رفت و بر جایگاه معلم و استاد، یک آخوند موعظه می کرد و به جای علوم انسانی و علوم طبیعی دیگر، خطبه های نماز جمعه را جایگزین می کرد. علیرغم همه دستگاه سرکوب و بزن و ببنده، جمهوری اسلامی در تحقق چنین رویاهایی ناکام مانده است.

در پی اعتراضهای سراسری در مدارس و دانشگاهها با شعارهای شجاعانه مردمی علیه دیکتاتوری ولایت فقیه، پاپوران رژیم در پی پیدا کردن راه حلهایی جهت رهایی از بحران سرنگونی هستند. از حذف رشته های درسی که به باور آنها خلاف اسلام بوده و سکولاریسم را رشد می دهد، بومی کردن دانشگاهها و .. تا استخدام گزینشی معلمان در مراکز آموزشی و پرورشی از جمله این راهکارها هستند.

وزارت آموزش و پرورش رژیم بخشنامه ای به امضای وزیر مربوطه ابلاغ کرده است. خبرگزاری حکومتی اینلا روز سه شنبه ۱۱ آبان قسمتهایی از این بخش نامه را درج کرده است.

این بخشنامه استخدام معلمان را منوط به «اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام و قانون اساسی، عدم وابستگی، هواداری از احزاب و سازمانها و گروههای که غیر قانونی بودن آنها از طرف مقامان صالحه» اعلام کرده است.

سیاست استخدامی گزینشی و تصفیة معلمان، فرهنگیان و استادان و سهمیه بندی ورودیهایی دانشگاهها و استخدام معلمان به نفع بسیجیها، طی سه دهه از زمامداری این حکومت به کار گرفته شده و پدیده جدیدی نیست.

این ابلاغیه واکنشی در برابر شرکت گسترده معلمان در اعتراضهای صنفی و تهدید آنها به بیکاری است. نسلی که خیزشهای خیابانی سال گذشته را در تاریخ ثبت نمود، نسلی است که در همین مدارس ایدئولوژیک پرورش یافته و اکنون دستگاه دیکتاتوری دینی را نفی می کند. فراگیر بودن مخالفت با حکومت دینی و در راس آن ولی فقیه، ناکامی این گونه سیاستهای سرکوبگرانه را نشان خواهد داد.

## شورای استراتژیک ملی و تعمیق کشمکشها بین نیروهای ملی و ارتجاعی

### اناهیتا اردوان

پایان اشغال عراق توسط امپریالیسم آمریکا، و تحقق دموکراسی مستلزم پایان گرفتن دخالت‌های رژیم و خارج شدن همه نیروهای وابسته به آن از ساختار سیاسی عراق می‌باشد. تعیین هر چه سریع‌تر وظایف شورای استراتژیک ملی به ریاست نیروهای ملی می‌تواند روند پایان اشغال و دستیابی به دموکراسی در جامعه عراق را تسریع نماید

نشست رهبران فراکسیونهای سیاسی عراق به پیشنهاد مسعود بارزانی در اربیل، جهت تسریع فرایند تشکیل دولت عراق، با این که نزدیک به هشت ماه از انتخابات عراق می‌گذشت، بی نتیجه پایان یافت. نشست بعدی در بغداد با حضور همه فراکسیونها به پیشنهاد آمریکا ادامه پیدا کرد و در آن رهبران احزاب سیاسی عراق به طور غیرمترقبه ای بر سر تصمیمهایی به توافق رسیدند. این مساله بحران سیاسی در عراق را از وضعیتی دایمی خارج کرده و به مرحله تازه ای وارد ساخت. یکی از تصمیمهایی که برای بسیاری غیرمنتظره به نظر می‌رسید، تجدید پست نخست وزیری المالکی بود. در پی همین نشست نیز بر سر ریاست جمهوری طالبانی موافقت به عمل آمد. نکته مهمی که می‌تواند از آن به عنوان یکی که چرخش مهم در برنامه های سیاستگذاری دولت آینده عراق نام برد، تشکیل شورایی به نام "شورای سیاستگذاری استراتژیک" می‌باشد. بر این اساس، با توافق بارزانی، علاوی و المالکی مجلس ملزم شد که قبل از هر چیز قانون تشکیل شورای سیاستگذاری استراتژیک را به تصویب رساند. طرحی دومی که مورد توافق قرار گرفت، الغای قانون ریشه کنی بعث در رابطه با صالح المطلک، ظافر العالی و راسم العواد بود که توسط دولت المالکی به دلیل ارتباط با حزب بعث از شرکت در ساختار سیاسی محروم گشته بودند. بدین ترتیب، این دو طرح می‌بایست قبل از هر چیز مورد تصویب مجلس قرار می‌گرفت. دو روز بعد، مجلس عراق با حضور همه فراکسیونهای عراقی برگزار شد. هیات ریسه مجلس یعنی، دکتر اسامه نجیفی از لیست "العراقیه" همراه با دو نماینده از فراکسیونهای دیگر تعیین گردیدند و اکنون زمان آن فرا رسیده بود که بر اساس توافق، دو طرح مزبور به تصویب مجلس برسند اما المالکی با دسیسه گری بار دیگر تلاش کرد از فرصت به

دست آمده سوواستفاده کند و مسایل را به نفع خود کاملاً عوض کند. بنابراین از رییس مجلس خواست تا ریاست جمهوری طالبانی را به رسمیت بشمارد تا او نیز المالکی را به عنوان نخست وزیر مسوول تشکیل دولت آینده عراق کند. دکتر اسامه نجیفی هم به عنوان رییس مجلس بر اساس توافقات پیشین با این درخواست مخالفت کرد و ابراز داشت که پیش از هر چیز، دو طرح مزبور باید به تصویب مجلس برسند. رییس مجلس و لیست العراقیه بعد از مشاجرات فراوان، در اعتراض به از دستور خارج شدن توافقات قبلی، مجلس را ترک گفتند. الجزیره در این رابطه نوشت که این جلسه هنگامی که فراکسیون العراقیه خواستار آن شد که بند الغای ریشه کنی صالح المطلک، ظافر العالی و راسم العواد قبل از انتخاب رییس جمهور در دستور گنجانده شود، با ناکامی مواجه شد. این سند از سوی بارزانی، ایاد علاوی و نوری المالکی امضاء شده بود. درخواست مزبور با مخالفت لیست مالکی و ائتلاف فراکسیونهای کردستانی مواجه شد. العراقیه این مخالفت را مقدمه‌ای برای شانه خالی کردن این دو فراکسیون از توافقی که امضا کرده بودند، دانست و پاسخ آن را قبل از انتخاب رییس جمهور، با خروج از جلسه داد. گزارشگر الجزیره افزود: "بعد از این که رییس جلسه از جریان صدر، قصی سهیل، تصمیم گرفت رای گیری برای انتخاب رییس جمهور را با اکثریت دو سوم از نمایندگان باقیمانده در جلسه را انجام دهد، حالت تشنج در چهره آنهاهی که در سالن باقی ماندند، به ویژه رهبران فراکسیونهای سیاسی که پروسه انتخاب رییس جمهور را دنبال می‌کردند، آشکار شد. در هر صورت، جلال طالبانی مراسم سوگند قانونی برای ریاست جمهوری عراق برای مدت چهار سال را به جا آورد" طالبانی گفت که در فرصت قانونی المالکی را به عنوان نخست وزیر، مسوول تشکیل دولت خواهد کرد. روز شنبه همان هفته، رییس جمهور آمریکا با ایاد علاوی تماس گرفت و از او خواست که در نشست بعدی مجلس شرکت کند. با شرکت العراقیه در نشست روز شنبه مجلس، دو طرح مزبور به صورت قانون به تصویب رسید. با تصویب این دو طرح، به ویژه طرح تصویب شورای ملی سیاستهای استراتژیک، مسیر برای تغییر توازن قوا در تشکیل دولت آینده باز شده است.

شورای ملی سیاستهای استراتژیک که از نخست وزیر، رییس جمهور، رییس پارلمان، وزرای کلیدی دولت و شماری دیگر از مقامهای تصمیم گیرنده دولتی تشکیل می‌شود، وظایف مهمی دارد که قادر است اتوریته فردی المالکی و در نتیجه منافع استبداد حاکم بر تهران را در عراق و منطقه با دشواریهای زیادی روبرو سازد. این شورا بر قوانینی که توسط دولت در رابطه با سیاستهای سرنوشت ساز و تعیین کننده در زمینه های سیاسی، نظامی و اقتصادی تصویب می‌کند، نظارت خواهد کرد. گفتنی است که ریاست این ارگان رهبری کننده جدید در سیستم سیاسی عراق به عهده دکتر ایاد علاوی، رییس فراکسیون برنده اول در انتخابات عراق خواهد بود. فلاح النقیب از لیست العراقیه گفت که این شورا یک کنترل کننده واقعی بر قدرت مالکی خواهد بود. بر اساس گزارشهای متعدد، شورای ملی سیاستهای استراتژیک شامل ۲۰ عضو است که تمام تصمیمات استراتژیک و هر موضوعی که مربوط به سرنوشت کشور عراق می‌شود، می‌بایست توسط این شورا به اتفاق آرا تصویب شود. بر اساس گفته های تحلیلگران سیاسی عراقی، این شورا یک کنترل کننده واقعی اعمال قدرت نخست وزیر یعنی، نوری المالکی می‌باشد. از آن جا که شورای مزبور دربرگیرنده تمامی مقامها در دولت از رییس جمهور، نخست وزیر و معاونان می‌باشد، به یک حلقه وصل و هماهنگی بین ارگانهای مختلف ساختار سیاسی آینده عراق تبدیل می‌شود. هر موضوعی که در این شورا مطرح می‌شود، باید هشتاد درصد آرای اعضای آن را به دست آورد تا لازم الاجرا گردد. مواضع دولت آمریکا در برابر این تحولات را نیز به خوبی می‌توان از سخنان هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آن برداشت کرد که می‌گوید توافق سیاسی بین سران فراکسیونها شامل اصلاحاتی مربوط به ریشه کنی بعث و تاسیس شورای سیاسی برای سیاستهای استراتژیکی است. هیلاری کلینتون تاکید می‌کند که شورای نامبرده یک ارگان مهم به مثابه کمیته ای می‌باشد که در زمینه تعیین سیاستهای دفاعی، امور خارجی و سیاستهای اقتصادی و سایر سیاستهای استراتژیکی دیگر، ذریط می‌باشد. این شورا قادر است تصمیمات دولت را در صورت این که رای نیارود، وتو کند.

در همین حال کمیته ای جهت تدوین قانون شورای ملی سیاستهای استراتژیک تشکیل شده است. به گفته الخالدی از رهبران العراقیه این کمیته از پنج نفر از اعضای العراقیه برای تدوین قانون شورای سیاستهای استراتژیک که برای رای گیری به مجلس ارایه خواهد شد، تشکیل شده است. الخالدی اضافه می‌کند که ریاست این کمیته را عدنان الجنابی بر عهده دارد و اعضای آن عبارتند از علاء مکی، طلال الزوبعی، محمد تمیم و عالیه نصیف. لیست العراقیه به صراحت اعلام کرده است که در صورت عدم اجرای توافقات، از روند سیاسی کشور خارج می‌شود. از سوی دیگر، تا کنون طالبانی به عنوان رییس جمهور عراق، جریان صدر و روژ نوری شواویس، رییس هیات مشترک فراکسیونهای کردستان عراق مساله شورای ملی سیاستگذاری استراتژیک را مهم ارزیابی کرده اند. علاوه بر این، مجلس می‌بایست در مدت یک ماه یعنی، همان مدتی که برای تعیین دولت مشخص شده است و قبل از رای اعتماد به دولت، به قانون مربوط به این شورا رای دهد. همه احزاب سیاسی ملزم به رعایت این قانون می‌باشند و در صورت مخالفت، می‌بایست از دولت خارج شود و یا این که دیگران از دولت خارج می‌شوند تا دولت جدیدی شکل گیرد که به این شورا و قوانینش متعهد باشد. اگر چه اکثر به اتفاق فراکسیونهای عراقی به لزوم شورای سیاستهای استراتژیک اذعان دارند اما تشکیل آن، میزان اختیارات و همچنین اختیارات رییس آن با توجه به منافع احزاب مختلف، نشان از عمیق تر شدن کشمکشها بین احزاب سیاسی دارد. در این میان المالکی از لیست دولت قانون نیز بی شک همانند گذشته با توسل به دسیسه و باج دهی قادر است زیر توافق با تشکیل چنین شورایی بزند. از سوی دیگر، وی که یکی از مهمترین مهره های تابع رژیم حاکم بر تهران است، بی تردید با اختیارات شورای مزبور به مخالفت خواهد پرداخت زیرا که میزان اختیارات این شورا، با غلبه بر میزان اختیارات نخست وزیر قادر است پیشبرد سیاستهای او و رژیم ولایت فقیه را در عراق با چالشهای فراوانی روبرو سازد. از طرفی، لیست العراقیه و در راس آن ایاد علاوی از نظر تجربی به توافق المالکی با تشکیل شورای مزبور بسیار بدبین است. عالیه نصیف، نماینده بقیه در صفحه ۱۵



## شورای استراتژیک ملی و تعمیق کشمکشها بین نیروهای ملی و ارتجاعی

## جک استراو، بحران تازه روابط خارجی دزدانه باند ولایت

منصور امان

بقیه از صفحه ۱۴

العراقیه در مجلس در همین رابطه ابراز می دارد که نگران موضوع شورای سیاستهای استراتژیک است. جلال طالبانی رییس جمهور عراق نیز در مصاحبه با الحیات ابراز داشته است که علاوه نسبت به پیشرفت امور و توافقهایی اخیر میان گروههای سیاسی بسیار نگران و بدبین است.

آن چه مسلم است، عراق به قانونی جهت زورآزمایی دولت آمریکا و رژیم ولایت فقیه تبدیل شده است. هر تحولی در این زورآزمایی قادر است بر روند تشکیل دولت تاثیر به سزایی بگذارد. با توجه به گرایشها و وابستگیهای لیستهای مختلف، مسایل در عراق به صورت سیال در حرکت است. به عنوان مثال با وجود تمام اختلافهای دیرینه و کشمکشها بین جریان صدر و المالکی، چندی پیش صدریها به طور غیرمترقبه از نخست وزیری المالکی دفاع کردند. دفاع صدریها از نخست وزیری مجدد المالکی، مهره های چیده شده قبلی را از هم پاشاند و بحرانها و کشمکشهای جدیدی به وجود آورد. در این میان، رژیم ولایت فقیه که از پایگاه مردمی در داخل برخوردار نیست، از دیرباز به عنوان کانون سیاست استراتژیک خود در منطقه هزینه بسیار کرده است. تشکیل شورای سیاستهای استراتژیک و میزان اختیارات آن قادر است همه خوابههایی که رژیم در عراق برای استقرار بنیادگرایی دیده است را بر هم زند.

اما خوشبینانه است اگر تصور کنیم، المالکی و دیگر مهره های تحت اوامر رژیم ایران در مقابل تقسیم قدرت ساکت خواهند نشست. احتمال این که المالکی تصمیم بگیرد همانند گذشته با توسل به رشوه دادن و یا هر تاکتیک فاسد دیگری در نقش اجرایی شورای سیاست استراتژیک مشکل ایجاد کند، وجود دارد اما در این صورت همان طور که عراقیه تهدید کرده است، از روند سیاسی کشور بیرون می رود و در واقع المالکی کودتا کرده است زیرا طبق قانون اساسی، وزرای دولت می بایست از همه فراکسیونها انتخاب شوند. اجتماع سنی و آن تعداد از شیعیانی که با المالکی مخالف هستند نیز در جامعه به مخالفت خواهند پرداخت. همزمان، دولتهای همسایه، به جز رژیم ایران با تشکیل دولت بدون حضور عراقیه مخالف هستند. بنابراین دولت کودتایی المالکی اگر در چنین شرایطی با شکست روبرو نگردد، ساختاری شکننده و متزلزل خواهد داشت. تاکتیک حذف فیزیکی، نیز می تواند از سوی جریانهای وابسته به رژیم در دستور کار قرار گیرد. در همین رابطه، گزارش خبرگزاری نی نوای عراق ابراز می دارد که به خالدی از رهبران لیست عراقیه و سه نفر از همراهان او در شرق موصل با بسته انفجاری حمله شده است که بر اثر این حمله، سه تن از محافظان خالدی مجروح شده اند. زیر پا گذاشتن توافقات قبلی یا کارشکنی در آن از سوی المالکی، تحت تاثیر رژیم ولایت فقیه، با توجه به شرایط منطقه و مواضع رقیب پرفدرتی همچون آمریکا که قصد دارد دولتی متشکل از همه گرایشهای مذهبی زیر لوای توافق ملی در عراق داشته باشد، قادر است

دولت کودتای المالکی را با بحرانی عمیق تر از پیش روبرو سازد.

بدیهی است که هر نیروی عدالت طلبی از موضع دفاع از زحمتکشانش خواستار روی کار آمدن دولتی می باشد که بتواند به خواستههای ملت عراق تن دهد. بدین ترتیب، هر گونه تغییر توازن قوا به نفع نیروهای ملی در برابر نیروهای ارتجاعی می تواند مسیر را برای مبارزه رادیکال مردم عراق هموار تر سازد. با قبول این که مبارزه برای عدالت اجتماعی با رشد نیروهای مولد هر جامعه ای رابطه ای تنگاتنگ دارد و با پذیرش این که جامعه عراق در آن واحد با تضادهای بیشماری درگیر است، ضرورت از بین رفتن سلطه رژیم بر ساختار سیاسی عراق بسیار حیاتی ارزیابی می شود. اشغال عراق توسط نیروهای امپریالیستی به عنوان اصلی ترین تضاد جامعه عراق زمانی می تواند از سوی روشنفکران عراقی به طور جدی مورد چالش قرار گیرد که دخالتهای ولی فقیه در این کشور پایان پذیرفته باشد. زیرا تا زمانی که دولتی ارتجاعی در مسایل عراق دخالت می کند و همه سرمایه مپهن را صرف مبارزه با نیروهای ملی عراقی می کند، اشغالگران دیگر نیز برای مقابله با آن بهانه ای برای استقرار در عراق خواهند داشت. پایان اشغال عراق توسط امپریالیسم آمریکا و تحقق دموکراسی، مستلزم پایان گرفتن دخالتهای رژیم و خارج شدن همه نیروهای وابسته به آن از ساختار سیاسی عراق می باشد. تعیین هر چه سریع تر وظایف شورای استراتژیک ملی به ریاست نیروهای ملی می تواند پروسه پایان اشغال و دستیابی به دموکراسی را برای کشور عراق تسریع نماید.

خلع ید از استبداد حاکم بر ایران در عراق همچنین به معنای محدود شدن یکه تازیهایی ولایت فقیه در منطقه است که آن نیز برای جنبش عدالت خواهانه مردم ایران از اهمیت به سزایی برخوردار است. در این راستا، روند به تنگنا کشاندن المالکی و کاهش قدرت سیاسی وی در پیوندی طبیعی با شکست سیاست استراتژیک رژیم در منطقه قرار دارد.

چگونگی تشکیل و تداوم کار آتی شورای ملی سیاستهای استراتژیک، میزان برخورداری و بهره گیری از اختیارات آن و نتایج و عملکردها از مهمترین بحثها و مسایلی می باشد که به تعمیق تضاد بین نیروهای ملی و ارتجاعی می انجامد. این مساله، تشکیل دولت توسط المالکی را در صورت کارشکنی با مشکلات بزرگتری روبرو خواهد ساخت.

فراسوی خبر... ۱۶ آبان

آنچه که رهبر جمهوری اسلامی در ارتباط با رقابت فراکسیونهای باند خود بر سر سیاست خارجی، "موازی کاری" خوانده بود، با شور و حرارت پیشین ادامه دارد. تنها تغییری که انتقاد تند و علنی "فصل الخطاب" در این وضعیت به وجود آورده است، برانگیختن دوچندان همآوردان به بیرون ریختن اندرونیهای یکدیگر به میانه معرکه "موازی کاری" است.

بحران جدیدی که گرد موضوع دعوت از آقای جک استراو، یکی از اعضای کلوب "سه تفنگدار" شکل گرفته، نمود دیگری از بی ثباتی در دستگاه قدرت و فروپاشی شیرازه تصمیم گیری در آن را ارایه کرده است.

افشای دعوت آقای لاریجانی از وزیر خارجه پیشین بریتانیا و نماینده و رییس کنونی گروه دوستی پارلمانی انگلیس - جمهوری اسلامی، در حقیقت حمله مقابلی است که فراکسیون نظامی - امنیتی دولت در واکنش به تلاش موفق راست سنتی در ناکام گذاشتن طرح "نماینندگان ویژه" آن صورت می گیرد. حرکت دادن این مهره، رییس مجلس مלאها و یکی از رهبران جناح رقیب را اکنون به خانه ای رانده است که دولت در ماه شهریور در آن بسر می برد.

از سوی دیگر، در حالی که رفت و آمد هیاتهای دیپلماتیک - به ویژه هنگامی که از یک پایتخت اروپایی راهی شده باشند - در جمهوری اسلامی عادی به حساب می آید، استفاده از سفر هیات آقای استراو به مثابه ابزار حمله و واکنش شتابزده و ناهمگون کسانی که زیر ضرب آن قرار گرفته اند، نشانگر آن است که پیش زمینه و هدف سفر مزبور فراتر از یک دیدار عادی بوده است.

آقای بروجردی، رییس کمیسیون امنیت مجلس مלאها، موضوع

دعوت از آقای استراو را "شیطنت انگلیسی" نامیده و به طور جدی مدعی شده است که "انگلیسیها" برای جلوگیری از انتخاب دوباره آقای لاریجانی به ریاست فراکسیون اصولگرایان مجلس آن را مطرح ساخته اند. روابط عمومی مجلس نیز ضمن تکذیب انتشار خبر مزبور را "موجب تشویش اذهان عمومی" توصیف کرده و در یک واکنش دیگر، وبگاه متعلق به رییس مجلس و نزدیکان وی (خبرآنلاین)، به نوبه خود ملاقات محرمانه "یک مقام دولتی" با آقای جک استراو را لو داده است. روشن این است که جنجال آفرینی و درگیری آشکار حاکمان ایران بر سر مناسبات خارجی هیچ کمکی به کاهش بحران خطرناک در روابط آن با طرفهای خارجی نمی کند؛ بیش از همه به دلیل ناروشن بودن مرجع تصمیم گیری در جمهوری اسلامی و بی اعتمادی طرف حسابهای آن به توافقهایی یا سیاستهایی که بر این زمینه اتخاذ می گردد.

مستقل از تاثیر خارجی، بحران اخیر بار دیگر متنی را که "موازی کاری" در سیاست خارجی حاشیه آن به شمار می آید، پر رنگ کرده است. این امر، پنهانکاری و روابط غیرشفاف با دولتهای خارجی در باره مسایلی است که به گونه بی واسطه با زندگی مردم و منافع همگانی کشور ارتباط دارد. آثار وخیم این سیاست دزدانه در صحنه جامعه و سطح ملی را وجود دستجات، محافل و باندهایی که هر یک بر اساس منافع ویژه خود آن را به پیش برده و روابط جداگانه خود را ایجاد کرده اند، تشدید کرده است. آنان در این ارتباطها در درجه اول سُخنگوی علایق خویش هستند و به همین اعتبار، سقف دست و دلبازی شان برای خرج آنچه که به متعلق به خود آنها نیست، آسمان است.

## زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

### افغانستان

رویت، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۰ - به گزارش "کمیسسیون مستقل حقوق بشر افغانستان"، ۹ سال بعد از سقوط طالبان هنوز مبارزه زنان برای رسیدن به حقوق اولیه ادامه دارد. خانم "سمیر سمر"، مدیر این کمیسسیون و وزیر پیشین مسایل زنان، در سال ۲۰۰۲ بعد از نزدیک به یک دهه در تبعید بودن به افغانستان بازگشت. وی در بسیاری از پستهای دولتی به فعالیت پرداخت ولی به دلیل داشتن مواضع قوی علیه قوانین بنیادگرایانه شریعت اسلام، پس از تحمل تهدید و آزار و اذیت‌های فراوان مجبور به استعفا از پست قایم مقامی ریاست جمهوری شد. خانم "سمیر سمر" اکنون که گفتگو پیرامون نقش کانادا در افغانستان در مجلس و جامعه در جریان است، اعتقاد دارد که هنوز افغانستان، به ویژه جامعه زنان به حمایت‌های بین المللی احتیاج دارد. او ابراز می دارد که دولت کانادا یک نقش بسیار کلیدی در مساله پیشبرد حقوق زنان در افغانستان دارد: "تا زمانی که زنان به طور کامل در پروسه برقراری صلح شرکت نکنند و نقش نداشته باشند، ما در این جهان به امنیت و صلح دست پیدا نخواهیم یافت."

افزوده بر این، او معتقد است که خروج نیروهای نظامی کانادا در ماه جولای ۲۰۱۱ صحیح نمی باشد. وی اضافه می کند که با خروج نیروهای ناتو، افغانستان با شرایط عدم امنیت روبرو می گردد که در این میان نیروهای کانادایی در تلاش برای برقراری امنیت نقش کلیدی داشته اند.

او در مصاحبه ای تاکید می کند که یکی از بزرگترین مشکلات در افغانستان، عدم تعهد سیاسی در پیشرفت حقوق بشر است: "حمایت از حقوق بشر نه برای جوامع بین المللی و نه برای دولت افغانستان در دستور کار قرار ندارد."

خانم "سمیر" به عنوان وزیر سابق مسایل زنان تاکید می کند که حمایت از تحصیلات یکی از مهمترین مسایلی می باشد که جهان در آن رابطه می تواند به افغانستان کمک کند. زیرا که بالا بردن آگاهی مردم افغانستان، به ویژه زنان آنها را قادر می سازد تا برای دستیابی به حقوق خود مبارزه کنند.

"مدیر پروژه زنان برای زنان در افغانستان" در این رابطه می گوید که با وجود همه تلاشها پیرامون آموزش و پرورش توسط برنامه های آموزشی اما این مساله با افت شدید روبروست. وی

### وضعیت زنان بعد از فاجعه طبیعی در پاکستان بسیار بغرنج است

آسوشیتدپرس، ۲۷ اکتبر ۲۰۱۰ - مدافعان حقوق بشر از دولت پاکستان می خواهند که رسیدگی به وضعیت زنان و کودکانی که به علت سیل بی خانمان شده اند را جهت جلوگیری از دوباره قربانی شدن آنان تضمین کند. کودکان، زنان، مهاجران، افراد از کار افتاده و سالمند، شمار قابل توجهی از افرادی که مورد صدمه قرار گرفته اند را تشکیل می دهند. مدافعان حقوق بشر در بیانیه مشترکی از مسوولان دولت پاکستان می خواهند که با برآوردن مطالبات این افراد، مفاد اولیه حقوق بشر را رعایت کند زیرا با توجه به شرایط کنونی، آنان جزو آسیب پذیرترین افراد جامعه پاکستان به حساب می آیند.

منطقه سیل زده هم اکنون صحنه نزاع بین نیروی ارتش و دولت شده است و در چنین شرایطی، زنان، به ویژه دختران جوان از دستیابی به بهداشت و تحصیل محروم مانده اند. "کمیته دفاع از حقوق کودکان"، "کمیته حذف هرگونه تبعیض علیه زنان" و "کمیته دفاع از حقوق افراد از کار افتاده" تاکید می کنند که ۸۵ درصد از کسانی که بی خانمان شده اند، زنان و کودکان هستند که این میزان شامل نیم میلیون زن باردار نیز می باشد. آنان از ویرانی مراکز بهداشتی رنج می برند و به حمایت در برابر آزار و اذیت‌های جنسی و فیزیکی با توجه به موانع فرهنگی که برای زنان در پاکستان وجود دارد، احتیاج دارند. بر اساس این گزارش، بعد از گذشت سه ماه هنوز حداقل هفت میلیون نفر بدون پناهگاه زندگی را سپری می کنند.

### تلاش برای تصویب قانون علیه آزار و اذیت‌های جنسی

گرتیت نیوز ورک، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۰ - فعالان حقوق بشر و حقوق زنان در مراکش سالیانست پیرامون چگونگی پایان دادن به اعمال خشونت علیه زنان و استثمار دختران جوان گفتگو می کنند. به تازگی مجلس در این رابطه نشست تشکیل داده و در رابطه با دو طرح که حقوق زنان را در بر می گیرد، به گفتگو نشسته است. بدین ترتیب، یک روشنایی ضعیف از امید شروع به درخشیدن کرده است. به تازگی تشکلهای مستقل مدافع حقوق بشر موفق شدند، مورد‌های بسیاری از بیداد اعمال شده علیه دختران جوانی که به عنوان خدمتکار مشغول به کار هستند را افشا کنند و استثمار کنندگان را به دادگاه بکشاند. گفتنی است که رسانه های خبری به سانسور این مسایل پرداخته بودند.

کوشندگان حقوق بشر و زنان بر این اعتقادند که اولین گام جدی برای

مقابله با این معضل، تصویب قانونی علیه آن است. کوشندگان حقوق بشر از سال ۱۹۹۵ تا کنون از دولت می خواهند که قانونی به تصویب برساند که قادر باشد به طور جدی با مساله اعمال خشونت و استثمار زنان مقابله کند زیرا که با همه تلاشها و نشر آگاهی در این رابطه، هنوز جامعه به شدت از اعمال خشونت علیه زنان و استثمار آنان رنج می برد. یک رفرم قانونی در این رابطه بسیار حیاتی و ضروری می باشد. البته وزیر کار کشور مراکش به تازگی اعلام کرده است که پروسه تصویب طرح پیشنهاد شده در رابطه با منع استثمار نیروی کار کودکان (پسر و دختر) در حال پیشرفت است.

### مخالفت با حکم اعدام سکینه محمدی آشتیانی

کی‌یف، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۰ - گروهی از زنان اوکراینی با برهنه کردن بالاتنه خود، خواستار توقف اجرای حکم اعدام سکینه محمدی آشتیانی شدند.

بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه از کی‌یف، پایتخت اوکراین، پنج عضو گروه اوکراینی «femen» روز پنج شنبه یازدهم نوامبر لباسهای بالاتنه خود را در آوردند و شعارهایی در اعتراض به اعدام احتمالی خانم آشتیانی سر دادند.

گروه فم، یکی از گروههای سرشناس سیاسی در جمهوری اوکراین است که اعضای آن معمولاً برای جلب افکار عمومی به برنامه این گروه تحت عنوان «حقوق برابر برای زنان» لباسهای بالاتنه خود را در می‌آورند.

زنان اوکراینی که در مراسم «هفته فرهنگ و هنر ایران در اوکراین» در کی‌یف شرکت کرده بودند خطاب به دولت ایران فریاد می‌زدند «زنان را نکشید». ماموران امنیتی این معترضان اوکراینی را دست‌بند زدند و از مراسم بیرون بردند.

مراسم «هفته فرهنگ و هنر ایران در اوکراین» که پنج زن اوکراینی آن را برهم زدند، بخشی از یک برنامه تبادل فرهنگی بود که سفارت رژیم ایران در کی‌یف از روز چهارشنبه ۱۰ نوامبر برگزار کرده بود.

### کتک زدن زن توسط همسران تا زمانی که اثری از خود به جا نگذارد، جایز است

فیلیپین دیلی، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۰ - دیده بان حقوق بشر (HRW) نسبت به رای دادگاه امارات متحده عربی که از خشونت مردان علیه همسران خود دفاع کرده است، اعتراض کرد. این نهاد مدافع حقوق بشر اعتقاد دارد که چنین موضع گیری‌هایی این پیام را به بیرون می فرستد که اعمال خشونت علیه بقیه در صفحه ۱۷

## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶  
زنان جایز است. بر اساس این گزارش، دادگاه عالی امارات متحده عربی عنوان کرده است که یک مرد جایز است، زن و کودکان خود را برای ادب کردن به شطرنج آن که جراحی قابل رویت به جا نگذارد، کتک بزند.

"نادیا خلیفه"، یکی از محققان مسایل زنان ابزار می دارد که این مساله تایید اعمال خشونت خانگی علیه زنان است و در هیچ شرایطی نمی بایست مورد قبول قرار گیرد. او ادامه می دهد که این امر نشان می دهد که مسوولان دولتی امارات متحده عربی کاملاً به اعمال خشونت علیه زنان و کودکان اعتقاد دارند. این مساله هستی زنان را با خطری جدی روبرو می سازد.

### رژیم ایران به هیات اجرایی شورای جدید نهاد زنان سازمان ملل راه پیدا نکرد

به گزارش رسانه های جهانی، کنسول اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل که از ۵۴ عضو تشکیل می شود، با عضویت رژیم ضد زن ولایت فقیه در هیات اجرایی بخش جدید شورای جدید نهاد زنان سازمان ملل مخالفت کرد. با پیروزی کشور کوچک تیمور شرقی در آخرین لحظات، رژیم استبدادی قادر نشد به شورای جدید راه پیدا کند. بر اساس این گزارشها، دولت‌های کانادا و استرالیا با راه انداختن لابی تلاش کردند، مانع راه یافتن رژیم به شورای مزبور شوند.

هیات رهبری شورای جدید زنان سازمان ملل از چهل و یک عضو تشکیل می شود و موظف است برای احقاق حقوق حقه زنان در کشورهای در حال توسعه فعالیت کند. کشورهای پاکستان، هند، مالایزیا، کنگو، اوکراین و روسیه، ایتالیا، سوئد و بسیاری کشورهای دیگر از پنج قاره جهان توانستند به عضویت این شورا درآیند. این نهاد هم همچون دیگر نهادهای سازمان ملل تلاش می کند از بالا، یعنی از طریق دولت‌ها به برابری جنسیتی دست یابد. این در حالی است که رفع تضاد جنسیتی در گرو رفع تضاد طبقاتی می باشد و این مهم با منافع دولتها منطبق نیست. افزوده بر این، عضویت دولتهای ارتجاعی که از اندیشه ای عمیقاً زن ستیزانه حمایت می کنند مانند عربستان سعودی، لیبی و پاکستان، در تضاد با اهداف و فعالیت این شورا است.

اما در این میان عدم راهیابی رژیم ولایت فقیه به عنوان رژیمی که نه تنها ابتدایی ترین حقوق زنان را لگد مال کرده، بلکه با تصویب قوانینی همچون سنگسار در خصوصی ترین حریم زنان دخالت می کند و آنان را بی رحمانه به

قتل می رساند، به عنوان یک پیروزی برای جنبش برانداز زنان ایران و همه مردم ایران به حساب می آید. این رسوایی مهر تاکید و تایید جهانی ضد زن بودن را بر پیشانی رژیم کوبید.

باشد تا جلادان حاکم بر تهران بدانند که نه تنها در میان پایتیبها (محرومان) از پایگاهی برخوردار نیستند، بلکه حتی میان بالاییها (دولتها) نیز به طور روشن از وجه ای برخوردار نیستند.

### تبعیض در بریتانیا

گاردین، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۰ - بر اساس گزارش "کمسیون برابری جنسیتی و حقوق بشر"، شکاف در پرداخت دستمزد بین زنان و مردان بسیار عمیق است. کارگر زنی که به صورت تمام وقت کار می کند، هنوز ۱۶٪ درصد کمتر از همکاران مرد خود دستمزد دریافت می کند.

این گزارش همچنان به شکاف طبقاتی اشاره می کند و در این رابطه ابراز می دارد که شکاف طبقاتی در جامعه انگلیس آنچنان ژرف شده است که کودکان از خانواده های محروم به سختی قادر خواهند بود زندگی مناسبی در چشم انداز خود داشته باشند.

### زنان اردن یک روشنائی کوچک در مسیر مبارزه علیه نابرابری در فراروی خود می بینند

نیو کرالا، ۶ اکتبر ۲۰۱۰ - قانون در اردن هنوز حق طلاق را به مردان می دهد و دختران پانزده ساله به طور قانونی حق ازدواج دارند. با این که مدافعان حقوق زنان مدت‌ها ست تلاش می کنند تغییری در این قانون جهت دفاع از حقوق زنان ایجاد کنند اما هنوز موفق نشده اند. با این حال، به تازگی اعلام شده که قانونی جهت تثبیت حقوق زنان در چارچوب خانواده در پروسه تصویب است.

قانون جدید تغییرات مثبتی را در بر می گیرد. یکی از آنها بالا بردن سن ازدواج تا ۱۸ سال است. اما همین قانون دارای تبصره ای می باشد که هنوز ازدواج دختران پانزده ساله را در شرایط مشخصی که توسط قاضی با توجه به قوانین شریعت اسلام معین می گردد، به رسمیت می شمارد. مدافعان حقوق زنان با این که اندکی خرسندند که در انتها اصلاح کوچکی می بینند اما متأسف هستند که بعد از سالها تلاش هنوز نتوانستند به آن چه مطالبه می کردند، دست یابند.

بر اساس گزارش مراکز دولتی، از ۶۷۴۵۵ ازدواج صورت گرفته در اردن در سال ۲۰۰۸، نزدیک به ۹۰۰۰ آن مربوط به دختران جوان بین سن ۱۵ تا ۱۸ ساله بوده است.

## گزارشی که "رییس جمهور" قصد نداشت بدهد

### لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۱۷ آبان

احمدی نژاد با گرفتن ژست ریاست مایانه در دیداری که با کسانی که "مدیران استان تهران" خوانده شدند، حرفهایی بر زبان جاری کرد که قصد نداشت اینگونه شنیده شود:

- تهران باید از بقیه ایران بهتر باشد و آبروی رژیم با تهران حفظ می شود: "همه ملت ایران علاقمند هستند که استان تهران از هر جهت بهترین باشد."

- آبادانی همه کشور سیاست کلی حکومت نیست برای همین است که مردم بیکار و بدون امکانات دیگر نقاط کشور برای یافتن کار و در چارچوب مواهب استان "بهرتر" قرار گرفتن به تهران مهاجرت می کنند: "آبادانی همه کشور باید سیاست کلی باشد تا مهاجرتها به تهران متوقف شود."

- یک اشکال دیگر استان "بهرتر" این است که بدون ایجاد زیرساختهای لازم، در مونتاژ و واردات خودرو برای چرب کردن نان پاسداران و باقی دزدان زیاده روی شده است: "تهران مشکل ترافیک، اتلاف وقت و آلودگی هوا و زمین دارد."

- تنها راه مقابله با زلزله، بی خانمان کردن و بیرون راندن مردم زحمتکش و مقدم بر همه کارمندان حقوق بگیر دولت است: "حداقل باید ۵ میلیون نفر را منتقل کنیم که لااقل باید سه میلیون آن از شهر تهران باشد."

- در جمهوری اسلامی بیت المال می تواند در ابعاد میلیاردی حیف و میل بشود و با این وجود دولت در ردیف بودجه، به دزدها پاداش هم بدهد: "از سال ۶۶ تاکنون ۵۷۰۰ میلیارد تومان هزینه مترو شده که اگر بهترین سیستمها را از دنیا می خریدیم، مبلغ آن کمتر از این عدد می شد."

- ایجاد نان دانی برای پیاده نظام حکومت و علم کردن مشاغل پوشالی در این راستا، یک اولویت حیاتی است: "صد هزار نفر در وزارت کشاورزی اشتغال دارند که بیشتر این افراد در تهران و مراکز استانها فعالیت می کنند."

- کارگزاران حکومت به فکر مشکلات مردم که زندگی را بر آن سیاه کرده، نیستند زیرا این مشکلات از نظر آنها بی اهمیت و به عبارتی "کوچک" هستند: "مسوولان به فکر مشکلات کوچک مردم نیستند. همین الان مردم زیادی هستند که با ۳۰۰ هزار و ۵۰۰ هزار تومان زندگیشان زیرو رو می شود و نجات پیدا کنند."

- جرئت حرف زدن ندارم، زیرا وضع حکومت از این هم بدتر می شود: "از دیگران که نمی توانیم انتقاد کنیم، لااقل می توانیم از خودمان انتقاد کنیم." - مسوولان از مناصبی که به آنها اهدا شده، دفاع کنند و نگران به زیر کشیده شدن به دست مردم نباشند زیرا ما جهان را به زودی فتح می کنیم و آنها فرمانروایان آن هستند: "شما در آستانه حکومت جهانی هستید."

- صاحب ملت ما هستیم، سوال ممنوع: "آنها با پروری خود را صاحب ملت می دانند و به جای اینکه پاسخ دهند، سوال می کنند."

## کانتینرهای تسلیحات در

### نقش فتر فشارهای

### بین المللی

### منصور امان

فراسوی خبر... ۲۴ آبان  
در نامساعدترین زمان ممکن و در همان حال که رژیم جمهوری اسلامی به شدت در تلاش است، روزنه ای برای فرار از فشارهای بین المللی و جلوگیری از تشدید آن بیابد، یک برگ جدید به پرونده قطور آن به دلیل بی توجهی به قوانین بین المللی و نقض قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل افزوده شده است.

روز شنبه، سفیر نیجریه در سازمان ملل از ارایه گزارش رسمی این کشور به شورای امنیت در مورد کشف مهمات و جنگ افزارهای قاچاق شده از جمهوری اسلامی به نیجریه خبر داد. آقای جی وی اوگو توضیح داد که گزارش مزبور براساس تحریمهای شورای امنیت علیه رژیم ایران و تعهد کشورش به اجرا و جلوگیری از نقض آن تهیه شده است.

نیجریه در اوایل ماه (۴ آبان) خبر داد که دستگاه های امنیتی آن ۱۳ کانتینر حاوی اسلحه و مهمات که از بندرعباس بارگیری شده و زیر پوشش وسایل ساختمانی ثبت گردیده بود را کشف کرده اند. زمان کوتاهی بعد، مقامهای این کشور آفریقایی اعلام داشتند که دو متهم این رسوایی به نامهای آقاجانی و طهماسبی به سفارت جمهوری اسلامی گریخته اند.

در پی انتشار این اطلاعات، دولت نیجریه، جمهوری اسلامی را تهدید کرد که در صورت عدم همکاری در روشن شدن جوانب این رسوایی، موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع خواهد داد. اگر چه جمهوری اسلامی پس از طرح جدی مساله از سوی نیجریه به طور شتابزده وزیر امور خارجه خود را - به احتمال زیاد با هدایا و پیشنهادهای گشاده دستانه - به "بوجا" فرستاد اما جدیدترین تحولات نشان می دهد که این تلاش به گونه درزبانی بی نتیجه مانده است. در دو ماه گذشته، این دومیین محموله مهمات و جنگ افزارهای قاچاق جمهوری اسلامی است که کشف می شود. در مهر ماه نیز پایوران افغان از توقیف یک کانتینر تسلیحات که از ایران به این کشور وارد شده بود، خبر داده بودند.

ردگیری سیاستهای ماجراجویانه رژیم ولایت فقیه و تدارک چینی آن برای اقدامات تروریستی، اصلی ترین استدلال غرب در مخالفت با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی یعنی، کارکرد آن به مثابه تهدیدی برای امنیت بین المللی را تقویت کرده است. این امر یک نیروی محرک تازه در پشت شرایطی ایجاد می کند که به هرصورت به زبان "نظام" در حال پیشروی است.



## رویدادهای هنری ماه

### لیلا جدیدی

#### سخن روز:

- برای این که انسان همه آنچه که وظیفه اوست را انجام دهد، باید توانایی خود را بیشتر از آنچه هست ارزیابی کند (یوهان ولفگانگ گوته (۱۸۳۲-۱۷۴۹)، شاعر، ادیب، نویسنده، نقاش، محقق، انسان‌شناس، فیلسوف و سیاستمدار آلمانی)  
- وقتی جوان بودم، جرات این که رادیکال باشم را نداشتم زیرا می‌ترسیدم وقتی پیر می‌شوم، محافظه کار شوم

### ادبیات

#### خودداری ناپیل از شرکت در "پارلمان نویسندگان"

"وی اس ناپیل" از شرکت در اجلاس بین‌المللی نویسندگان در استانبول صرف‌نظر کرده است.

ناپیل، نویسنده هندی تبار اهل ترینیداد، در سال ۲۰۰۱ دین اسلام را با استعمار مقایسه کرد و باعث اعتراض گروه‌های اسلامی شد. برخی از نویسندگان ترکیه تهدید کرده بودند، گردهمایی را تحریم خواهند کرد؛ زیرا به نظر آنها حضور آقای ناپیل توهمین به مسلمانان است. "پارلمان بین‌المللی نویسندگان" که بزرگترین گردهمایی نویسندگان جهان به شمار می‌رود، امسال در شهر استانبول که یکی از پایتخت‌های فرهنگی اروپا شناخته شده است، برگزار می‌شود.

این مجمع بزرگ در سال ۲۰۰۷ به ابتکار "روزه ساراماگو"، نویسنده پرتغالی و برنده جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۹۸ و "اورهان پاموک"، نویسنده ترک و برنده جایزه نوبل سال ۲۰۰۶ تاسیس شد.

ناپیل در سال ۱۹۸۹ در بریتانیا نشان شوالیه گرفت و در سال ۲۰۰۱ جایزه ادبی نوبل را از آن خود ساخت.

برخی از آثار وی، اس. ناپیل به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. کتاب "هند، تمدن مجروح" را احمد میرعلایی به فارسی ترجمه کرده است. این مترجم از قربانیان "قتلهای زنجیره‌ای" به شمار می‌رود. کتابهای "مشمالچی عارف"، "خانه‌ای برای آقای بیسواس"، "خیابان میگال" و "انتخابات الویرا" توسط مهدی غربایی به فارسی ترجمه شده‌اند.

#### یونسکو در نمایش "همایش جهانی" فلسفه شرکت نکرد

"همایش جهانی فلسفه"، بدون مشارکت سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در تهران آغاز شد. یونسکو اعلام کرد: "شرایط لازم برای تضمین برگزاری بدون مشکل یک کنفرانس بین‌المللی متعلق به سازمان ملل در ایران فراهم نشده است."

شرکت‌کنندگان خارجی این همایش از جمله "هانس پوزر" از آلمان، "ویلفرد هاجز" از انگلستان، "کارل روان" از آمریکا و "جیسله اوساکه جومبو" از کشور آفریقای گابن هستند. شماری از دیپلمات‌ها می‌گویند، اقدام یونسکو واکنشی نسبت به ایجاد محدودیت در تدریس رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران بوده است.

#### جنجال بر سر کتاب تازه باراک اوباما، "از تو می‌خوانم"

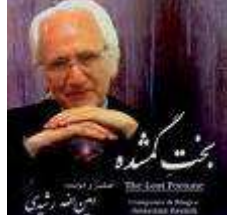
همزمان با انتشار نخستین کتاب "باراک اوباما"، رئیس‌جمهور آمریکا برای کودکان، شبکه خبری "فاکس نیوز" در تیترو وب سایت خود نوشت: "اوباما، رئیس قبیله سرخ پوستی که ژنرال آمریکایی را کشت، ستایش می‌کند".

درآمد حاصل از فروش کتاب اوباما به نام "از تو می‌خوانم" قرار است برای کمک به فرزندان نظامیان از کار افتاده و معلول آمریکایی اختصاص داده شود. این کتاب از رئیس قبیله "لاکوتا" سخن به میان می‌آورد که "بی‌پرده سخن گفت و مردم خود را علیه برخی از سیاست‌های دولت آمریکا بسیج کرد. او به خاطر پیروزی فراموش نشدنی خود در سال ۱۸۷۶ بر کلنل "جرج آرمسترانگ کاستر" در نبرد "لیتل بیگ هورن"، آوازه یافت".

این موضوع، توفانی از بحث میان هواداران و مخالفان رئیس‌جمهور و شبکه خبری فاکس برپا کرد که ضمن اشاره به تجدیدنظر تاریخی و برخورد درست و امروزی درباره آن، به ریشخند یکدیگر برخاستند.

#### "کتابم را در دولت بعد چاپ می‌کنم"

امین الله رشیدی، آهنگساز و خواننده مشهور درباره انتشار کتاب دومش



گفت: "پنج سال است این کتاب در وزارت ارشاد مانده است. در دولت جدید نزدیک به ۸۰ مورد اصلاحی و حذفی در کتاب وجود داشت که قبول نکردم".

وی افزود: "ترجیح می‌دهم این کتاب که ادامه‌ی کتاب خاطرها و نغمه‌ها است را در شرایطی دیگر و در دولتی بعدی چاپ کنم تا مجبور نباشم بسیاری از اسناد تاریخی آنرا حذف کنم". در همین حال، آلبوم "عشق آتشین" به خوانندگی امینالله رشیدی تا نیمه‌های بهمن منتشر میشود. این آلبوم شامل

۱۳ قطعه موسیقی است که توسط ارکستر شماره ۲ و ۶ رادیو اجرا شده بود. در این اثر نوازندگانی چون حبیباله بدیعی، پرویز یاحقی، همایون خرم، عباس شایوری، رضا یاور، انوشیروان روحانی و جهانگیر ملک و... صدای وی را همراهی کرده‌اند.

امین الله رشیدی می‌گوید که این آلبوم به همان شکل قدیمی و بدون هیچ دستکاری انتشار مییابد. اشعار این اثر از آثار ایرج تیمور تاش، تورج نگهبان، کریم فکور، رهی معیری و نظام فاطمی انتخاب شده است. این اثر در دستگاه چهارگاه، سه‌گاه، دشتی، ماهور، شور و اصفهان است.

### موسیقی

#### لغو کنسرت همایون شجریان در شیراز

در پی اجراهای موفق کنسرت‌های همایون شجریان و گروه "همنوازان حصار" به آهنگسازی و سرپرستی علی قمصری و به دلیل استقبال فراوان که از آن، اجرای مجدد این سری از کنسرت‌ها در تهران، شیراز و سایر شهرها برنامه‌ریزی شد.

کنسرت‌های تهران در شبه‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ آبان ماه با استقبال بینظیر مردم روبرو شد به طوری که فروش بلیتهای آن در ساعات اولیه به پایان رسید و بسیاری قادر به تهیه بلیت نشدند. از این رو، این کنسرت‌ها برای دو شب دیگر در تاریخهای ۱۸ و ۱۹ آبان تمدید شد.

برگزارکنندگان این سری کنسرت‌ها می‌گویند: به دلیل عدم همکاری مسوولان امر در شیراز نسبت به صدور مجوز بیش از دوشب اجرای کنسرت و افزایش یکباره ۲۰۰ درصدی اجاره بهای سالن که هزینه تمام شده هر صندلی را به فراتر از حد انتظار و توان تهیه بلیت از سوی علاقه‌مندان میرساند و نیز به دلیل مناسب تشخیص ندادن اجرای این کنسرت از سوی مسوولان در مکانی با گنجایش بیشتر، ناگزیر به لغو اجرای این کنسرت شده‌اند.

#### انتقاد ژيوار شيخ اسلام از تغيير برنامه کنسرتش

ژيوار شيخ اسلام، خواننده و سرپرست گروه موسیقی "ژيوار" می‌گوید: "متأسفانه مسوولان تالار وحدت برخورد شایسته‌ای با گروه‌های بانوان ندارند و اغلب برنامه‌ها به برنامه ما ترجیح داده میشود".

وی افزود: "گروه حدود یک سال برای این برنامه زحمت کشید اما متأسفانه یک گروه کوبایی جای ما را گرفت و فرصت اجرای ما در روز ۲۱ آبان ماه در بقیه در صفحه ۱۹

## رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۸

تالار وحدت به آن گروه داده شد.

این خواننده با اشاره به این که گروه ژنیوار در بخش کردی، حرکات آیینی منطقه کردستان را به صحنه میبرد، خاطرنشان کرد: "موسیقی به همراه حرکات آیینی کردستان یکی جذابیت‌های موسیقی این منطقه محسوب می شود".

## فیلم

## ندا آقاسلطان در فیلم شمقدری و کلاه‌داری

یک سایت معتبر سینمایی خبر داده است که فیلم "پایان نامه" با موضوع جنگ نرم و حوادث بعد از انتخابات به تهیه کنندگی روح الله شمقدری و کارگردانی حامد کلاه‌داری جلوی دوربین رفته است. حامد کلاه‌داری پیش از این، "پایان نامه" را صریح ترین فیلم سیاسی ایران با موضوع حوادث بعد از انتخابات معرفی کرده بود که دستاوردهای خوبی هم برای مردم و هم برای نظام جمهوری اسلامی دارد. سایت مزبور اطلاع داد، لیلا اوتادی، نقش ندا آقا سلطان را در این فیلم بازی می کند؛ خبری که بعدا این بازیگر آن را تکذیب کرد

## اطلاعیه انجمن هنر در تبعید: نهمین جشنواره مستقل سینمای ایران در تبعید

انجمن هنر در تبعید در اطلاعیه ای اعلام کرده است که نهمین جشنواره مستقل سینمای ایران در تبعید را به مدت چهار روز (از ۳۱ مارس تا ۳ آوریل ۲۰۱۱) در پاریس برگزار می کند. در این اطلاعیه از فیلمسازان علاقمند به شرکت در این جشنواره خواسته شده است تا با شماره تلفنهای: 01 20 42 16 یا 07 12 68 09 (پاریس) و یا بوسیله ایمیل به آدرس: artanexil@free.fr از بیست و دوم ماه دسامبر سال جاری تماس بگیرند.

## تحریم برنامه‌های هنری در شهرکهای یهودی‌نشین

سینماگران مشهور اسرائیلی، به ویژه آنها که دروکنندگان جوایز مهم بین‌المللی سالهای اخیر جشنواره‌ها و اسکار بوده‌اند، به آن گروه از هنرمندان تیاتر اسرائیل پیوستند که خواهان تحریم اجرای هرگونه برنامه فرهنگی و هنری در شهرکهای یهودی‌نشین در کرانه باختری شده اند. تحریم هنری یهودی‌نشینها از حدود دو ماه پیش و زمانی آغاز شد که هنرمندان و کارگردانان تیاتر در آستانه گشایش تالار هنری جدید در شهرک یهودی‌نشین "آریئل" در کرانه باختری اعلام کردند که در این تالار برنامه اجرا نخواهند کرد. این سینماگران لبه تیز انتقاد خود را متوجه خانم "لیمور لیونات"، وزیر فرهنگ اسرائیل و عضو حزب حاکم "لیکود" کردند؛ وی اعلام کرده بود که هر هنرمند و گروه هنری که نخواهد در شهرک نشینهای یهودی برنامه اجرا کند، از بودجه های دولتی برخوردار نخواهد شد. دولت اسرائیل نیز به نوبه خود از این تصمیم هنرمندان انتقاد کرد. آویگدور لیبرمن، وزیر خارجه این دولت و رهبر حزب راستگرای "اسرائیل خانه ماست"، هنرمندان را به خوردن نمک و شکستن نمکدان متهم کرد.

"پدر خوانده" بهترین فیلم در تاریخ سینما هفته نامه "تایم" در پایان نظرسنجی اینترنتی از منتقدان فیلم و اهالی سینما، فیلم "پدرخوانده"،

## «مرثیه»

برای رمضیه

م. وحیدی

سنگ می نالد

باد مویه می کند

و دشت خالی

یادهای مرا، صبوری می دهد

دل‌م گرفته است

ابر نمی بارد

و آواز قمری، بر پشت شیشه های پاییزی

رنگ خاکستری می زند

آه!

کدامین اسطوره

کدامین طلوع

نشان از تو دارد

تا به تکرار سخن بگویم؟

کدام تاریخ

کدام افسانه زیبا

که دستهایت، ساغر شبنم بود

در همصدایی برگ و باد

پر از فصلهای شگفتن

ای مهربان!

که در تو صلابت و آهن

با تمامت عشق و آزادی

گره خورده بود

میراث تو

عصیان و رزم

عاشقانه ترین پیام رستن

آفتاب گفتارت

ای خنیاگر کوچه های تنهایی

عریانی شور بهاری ست

که باز نمی ایستد

مهر ۱۳۸۹ - قرارگاه اشرف

## نبرد خلق

## ارگان سازمان

## چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر یوبه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

## آدرس سازمان در شبکه جهانی

## اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای

روز ایران و جهان، تحلیل مسائل

روز، دیدگاهها

بخش شنبداری (راديو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

محصول سال ۱۹۷۲ به کارگردانی "فرانسیس فورود کاپولا" را به عنوان بهترین فیلم تاریخ سینما انتخاب کرد. این فیلم با نقشی آفرینی "مارلون براندو"، "آل پاچینو" و "رابرت دووال"، داستان یک خانواده مافیایی به نام "کورتونه" است و موفق به کسب ۳ جایزه "اسکار" بهترین بازیگر مرد (مارلون براندو)، بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه اقتباسی شد. قسمت دوم این فیلم به کارگردانی کاپولا رتبه دوم این فهرست را در اختیار دارد.

فیلم "کازابلانکا"، محصول ۱۹۴۲ به کارگردانی "مایکل کورتیس" در رتبه سوم و "فهرست شیندلر"، ساخته "استیون اسپیلبرگ" در رتبه چهارم قرار گرفته است. "لاورنس عربستان"، محصول ۱۹۶۲ ساخته "دیوید لین"، برنده هفت جایزه اسکار، سه جایزه "افتا" و چهار جایزه "گلدن گلوب" در مکان پنجم ایستاد.

"کشتن مرغ مقلد"، محصول سال ۱۹۶۲ به کارگردانی "روبرت مولینگان"، برنده سه جایزه "اسکار" و دو جایزه "گلدن گلوب" بالاتر از "جنگ ستارگان" به کارگردانی "جورج لوكاس" مکان هفتم را در اختیار دارد. فیلم "جادوگر شهر اوز"، ساخته "ویکتور فلمینگ" محصول ۱۹۳۹، برنده دو جایزه اسکار در مکان هشتم این فهرست قرار دارد.

از دیگر آثار مشهوری که در میان ۲۰ فیلم برتر تاریخ سینما دیده می شود می توان به "پنجره عقبی" (آلفرد هیچکاک)، "همشهری کین" (آورسن ولز)، "رهایی" (شائوشنک فرانک دارابونت)، "بیانیست" (رومن پولانسکی) و "ملکه ای از آفریقا" (جان هوستون) اشاره کرد.

# NABARD - E - KHALGH

No : 305 22 Nov. 2010 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## شهادت فدایی آذر ماه

رفقای فدایی: همایون پریزاده - قرنی حسنی - رحمت طالب نژاد - اسدالله بشردوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم نیکچه همدانی - علیرضا بهارپیور - علی عبدالعلی زاده - محمدرضا شهناز - غلامرضا کاروردیان چایچی - حمیدرضا سعادت - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود روانی - محسن مدیر شانه چی - فریدون شافی - زهرا آقایی قلیهکی - علیرضا شهاب رضوی - ماهرخ فیال - مینا رفیعی - محمدعلی پاپویار - مسعود صارمی - جلال دهقان - رحیم تشکری - حسن زکی زاده - وحید پیروزنیا به دست دژخیمان رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

ولایت فقیه آن چیزی است که در هیچ کجای دنیا همتایی ندارد. رژیم پسا در گل ولایت فقیه در بحرانهای بسیاری دست و پا می زند و برای مردم ایران هیچ پاسخی برای توقف مذاکره و بی محلی غرب ندارد. پذیرش مذاکره از سوی خانم اشتون و کشورهای ۵+۱ تنها برای به رخ کشیدن عدم انزوای رژیم در وضعیت به غایت بفرنج کنونی در داخل کشور است و مصرف داخلی دارد و گرنه کیست که نداند قصد رژیم رسیدن به بمب اتمی و مسلح شدن به آن برای باج خواهی و برهم زدن اوضاع منطقه است. این آن چیزی است که جامعه جهانی به ویژه کشورهای ۵+۱ باید بدانند و به رژیم برای گریز از وضعیت کنونی راه حل ندهند.

کشورهای اروپایی برای مبادله اورانیوم غنی شده با سوخت اتمی مورد نیاز راکتور تحقیقاتی تهران منتشر شده است که بر اساس آن جمهوری اسلامی باید حدود دو هزار کیلوگرم (دو تن) از اورانیوم غنی شده با غلظت کم خود را به خارج از کشور منتقل کند؛ چیزی که رژیم یکبار آنرا پذیرفته و دوباره رد کرده بود.

رژیم ولایت فقیه و پایوران آن که بارها نشان داده اند، مذاکره را برای مذاکره و طرح ادعاهای واهی می خواهند نه حل و فصل مشکل پیش آمده، دوباره درخواستهای متفاوتی را مطرح کرده اند؛ یکی مذاکره را رد می کند، دیگری ادعا دارد که غربیها مقهور قدرت رژیم شده اند و از همه بدتر، احمدی نژاد خواستار پذیرش یاهو های بی مورد و نابجای خود به عنوان شرط رژیم از سوی کشورهای ۵+۱ شده است. آنها اعلام می کنند تا غربیها به شرایط احمدی نژاد پاسخ مثبت ندهند، مذاکره ای صورت نخواهد گرفت. از سوی دیگر، منوچهر متکی که تا دیروز به در دیوار می کوبید و دایم با خواهش و تمنا همصدا با احمدی نژاد خواهان مذاکره مجدد می شد، گفت: "اگر گروه وین بعد از مدتی رکود آمادگی داشته باشد گفت و گو ها برای تبادل سوخت بر اساس چارچوبی که دقیقاً در اعلامیه تهران تعریف شده است، انجام شود، می توانند آن را نهایی کنند."

او در ادامه گفت: "مبادله سوخت فقط در چارچوب بیانیه تهران صورت می گیرد." انگار نه انگار که تا دیروز او و احمدی نژاد پی در پی درخواست مذاکره را مطرح میکردند و انگار که این درخواستهای سریالی آنان برای مذاکره نبود که مورد توجه قرار نمی گرفت و حال که طرف مقابل حاضر به ادامه مذاکره شده است، متکی ادعا می کند که اگر آنها آماده تبادل سوخت بر اساس اعلامیه تهران هستند، می توانند زمان آنرا نهایی کنند. این بی شرمی و عدم پایبندی به حداقلهای مذاکره و توافق را به چه چیزی می شود تشبیه کرد؟ جایگاه وقاحت در اخلاق و منش

## ادامه مذاکرات اتمی، وادار کردن رژیم به پذیرش شرایط جامعه جهانی یا پذیرفتن شرایط رژیم؟

جعفر پویه

طرفهای مقابل روبرو شد. احمدی نژاد بارها آمادگی رسمی رژیم برای آغاز مذاکرات را در نشستهای خبری و گفتگوهای مطرح کرد، تا اینکه متکی، وزیر امور خارجه از این بی محلی به صدا در آمد و زبان به انتقاد از خانم اشتون باز کرد و او را به کم کاری در این مورد متهم ساخت. متکی از خانم اشتون خواست تا درباره مذاکره و درخواستهای رژیم فعال تر عمل کند. وی همچنین به طور یکجانبه به خبرگزاریها گفت: "ماه امیر یا اوایل ماه نوامبر (مهر و آبان سال جاری) تاریخمناسی است که گفت و گوهای نمایندگان ۵+۱ و ایران شکل بگیرد." او به دروغ ادعا کرده بود: "تاریخ دقیق از سوی دو طرف در حال بررسی و رایزنی است و در مورد سطح و محل گفت و گوها پس از نهایی شدن تاریخ به اطلاع همگان خواهد رسید."

اتحادیه اروپا نیز در واکنش به سخنان وزیر خارجه رژیم مبنی بر آمادگی این کشور برای شرکت در گفت و گوهای هسته‌ای، تاریخ ادعایی متکی را رد کرد. سخنگوی خانم اشتون در این باره گفت: "هیچ تاریخ رسمی تعیین نشده و هیچ نامه رسمی نیز در مورد گفت و گوها توسط اشتون یا کارمندان در یافت نشده است." فیلیپ کراولی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به سخنان منوچهر متکی گفت: "اگر ایران آماده مذاکرات است، تنها کاری که باید بکند این است که تلفن را بردارد و تاریخی را تعیین کند." اما پس از همه این پر رویی و التماس، خانم اشتون درخواست مذاکره مجدد را پذیرفت و خواستار تعیین تاریخ آن شد. در همین حال پیشنهاد تازه آمریکا و

فراسوی خبر آدینه ۱۴ آبان پس از مدتها توقف مذاکرات اتمی با رژیم جمهوری اسلامی قرار است سعید جلیلی، دبیر شورای امنیت ملی و مذاکره کننده ارشد رژیم در اواسط ماه جاری با کاترین اشتون، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که نمایندگی کشورهای ۵+۱ را بر عهده دارد، مذاکره کند. زمان این مذاکره در حالی تعیین شده که از اکتبر سال گذشته تا کنون هیچ مذاکره یا گفتگویی در این مورد انجام نشده است. دلیل توقف مذاکرات گروه ۵+۱ با رژیم، حرفها و شرایطی بود که احمدی نژاد، رئیس جمهور برکنشیده رهبر و ولی فقیه آن برای جامعه جهانی به ویژه اتحادیه اروپا و ۵+۱ تعیین کرده بود.

هیات مذاکره کننده رژیم به دستور احمدی نژاد به طور یکطرفه میز مذاکره را ترک کرد. احمدی نژاد درباره دلیل این توقف گفت: "ما مذاکره را به خاطر بی اخلاقی آنها پس از تصویب قطعنامه در شورای امنیت علیه ایران به عقب می اندازیم. پایان مرداد ماه (نیمه رمضان) این مذاکرات انجام می شود. این جریمه ای است برای اینکه آنها ادب شوند تا رسم گفتگو با ملتها را یاد بگیرند."

او در حالی تصمیم به "ادب کردن" طرفهای خارجی رژیم با ترک میز مذاکره گرفت که همزمان شرطهایی را نیز برای ادامه آن مطرح کرد. پس از این اتفاق تا مدتها مقامهای رژیم از جمله احمدی نژاد درخواست ادامه مذاکره را داشتند که با بی محلی

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم